

دکتر تد هیلدبرانت ، تاریخ OT ، ادبیات و الهیات ، سخنرانی 19

کپی رایت © 2020 ، تد هیلدبرانت

این دکتر تد هیلدبرانت در درس عهد عتیق، تاریخ، ادبیات و الهیات است. سخنرانی شماره 19 در مورد کتاب یوشع، دیوارهای اریحا، مشکلات در Ai، و معاهده ای که با جبعونی ها منعقد شد، و همچنین مفهوم جنگ و هرم در کتاب یوشع.

A. پیش نمایش آزمون و دمو Get Lost در اورشلیم [13:13-0:00]

بیایید نظم بدهیم. بیایید اجرا از طریق آنچه که برای پنجشنبه روی آن کار می کنیم. فردا صبح راهنمای مطالعه رو آماده میکنم، اول از همه، و من آن را برای همه ایمیل می کنم. اشکالی ندارد؟ سپس من نیز می کنم آن آنلاین. بنابراین من آنلاین خواهد بود و همچنین باید آن را در ایمیل خود داشته باشید. قرائت برای پنجشنبه آینده 2 سموئیل است که عمدتاً 24 فصل است. همه چیز در مورد دیوید است. آیا شما بچه ها بسیاری از داستان های دیوید را می دانید؟ این در مورد داوود و بتشیع است. اینها داستان هایی هستند که احتمالاً با دانستن آنها در مورد داوود، داوود و پسرش ابشالوم بزرگ شده اید. بنابراین 2 سموئیل و سپس 1 پادشاهان فصل های 1 تا 11 که تا حد زیادی در مورد سلیمان است. بنابراین، آنچه برای هفته آینده می خوانید دیوید و سلیمان است. این داستان ها برای همه نسبتاً شناخته شده است. کاوش اورشلیم در *در اورشلیم گم شوید*، ما قصد داریم در ادامه به آن بپردازیم. باشه؟ پس فقط یک ثانیه به من فرصت دهید. برخی از آیات خاطره ای از مزمور 51 وجود دارد. T در اینجا یک، دو، سه، چهار آیه خاطره وجود دارد. اینها عبارتند از: "در من قلبی پاک بسازید، O خدایا." آنها ابیاتی هستند که آهنگ هایی هستند که بسیاری از شما خوانده اید. آنها آیات بسیار بسیار معروفی هستند خارج از مزمور 51، که مزمور داوود است که گناه او را با بشرشیع منعکس می کند. بنابراین، قرائت دوم سموئیل، قرائت اول پادشاهان 1-11، این آیات خاطره، و سپس *در اورشلیم گم شوید*. کاری که می خواهم انجام دهم این است که به شما نشان دهم *در اورشلیم گم شوید* حال حاضر. این در هر یک از ماشین هایی است که در گوردون در اینجا و در اینترنت به شبکه متصل هستند. به عنوان مثال، من به ساختمان علوم می روم. آیا هیچ یک از شما از طبقه اول ساختمان علمی آگاه هستید؟ اگر از سمت فراست وارد شوید و شما بلافاصله به سمت چپ بروید. اتاقی وجود دارد که پر از این مانیتورهای زیبا و بزرگ است و می توانید از آنها استفاده کنید. تنها مشکل این است که باید در ویندوز بوت شوید [اگرچه از سال 2012 در اینترنت است و در هر دو سیستم عامل PC و Mac قابل دسترسی است]. ما فقط از بهترین ها در این کلاس استفاده می کنیم. بنابراین شما باید در ویندوز بوت شوید. سپس به همه برنامه ها می روید. آیا شما بچه ها با ویندوز آشنا هستید؟ شما بالا می روید و در ویندوز بوت می شوید و این دکمه کوچک در کنار سمت چپ پایین وجود دارد. You آن را فشار دهید و به همه برنامه ها بروید و شما *در اورشلیم گم شوید* و شما آن را از آنجا بالا خواهید کشید. خب، بیایید اکنون به آن نگاه کنیم و من می خواهم در اینجا کمی به آن بپردازم. بنابراین من می خواهم این برنامه را از اینجا فراخوانی کنم. *در اورشلیم گم شوید* تمام صفحه و فقط

نوعی برخی از آن را با خود اجرا کنید. بنابراین، در اینجا ما برنامه را فراخوانی می کنیم، این همان چیزی است که به دست خواهید آورد. وقتی این چیزهای اولیه را در اینجا می بینید، می توانید روی دکمه کلیک کنید تا روی همه این موارد کلیک کنید. بنابراین من می خواهم روی این دکمه کلیک کنم و وارد برنامه شوم. حالا اولین چیزی که باید بدانید با این برنامه نحوه خاموش کردن موسیقی است. روزی است که موسیقی مرد. در اینجا نحوه کشتن موسیقی آمده است. همینجا انجام آن دکمه نت موسیقی کوچک را می بینید؟ پس بیایید آن را بکشیم و موسیقی از بین رفته است. دیگر موسیقی وجود ندارد. حالا کاری که ما در اینجا می خواهیم انجام دهیم این است که این برنامه را مرور کنیم. یک بخش بازی وجود دارد. A پسر زک در 16 سالگی بخش بازی را نوشت. من به او یاد دادم که چگونه برنامه ریزی کند و او بازی ها را انجام می داد و بنابراین بازی ها در اینجا وجود دارد. خوب، ما قصد داریم اورشلیم مجازی را بررسی کنیم. حالا، بگذارید قبل از اینکه وارد شویم بگویم. سه سایت وجود دارد که می خواهم شما بدانید. اینها موارد مهم هستند. یکی از آنها منطقه G نامیده می شود. منطقه G یک کاوش باستان شناسی است. You دوباره به یک دسته سنگ را ببینید و باید بدانید که آن سنگ ها به چه معناست. من به شما نشان خواهم داد که چگونه می توانید معنی آنها را بفهمید. منطقه G اولین منطقه شما خواهد بود. تونل حزقیا دومین تونل است. از تو می خواهم که از تونل حزقیا عبور کنی. پس تونل حزقیا. K تارت در سمت شرقی، از آن عبور کنید، از طرف دیگر بیرون بیایید و سپس از آن برگردید. باشه؟ بنابراین، تونل حزقیا باید در بیرون آن باشید، در آن راه بروید، از آن عبور کنید، از آن طرف بیرون بروید و سپس از طریق تونل حزقیا برگردید. مورد دیگری که می خواهم به آن نگاه کنید چیزی است که شفت وارن نامیده می شود. این شفت وارن است. سپس فقط برخی از اطلاعات مربوط به آن را بخوانید. شفت وارن، تونل حزقیا، و این منطقه G، اینها سه چیزی هستند که می خواهم شما به آنها نگاه کنید. حدود نیم ساعت طول می کشد تا به این پانوراما نگاه کنید.

بگذارید من، در واقع بیایید به دنبال آن بگردیم و سپس به شفت وارن می رویم. بنابراین من می خواهم وارد شوم. اکنون، چگونه وارد برنامه کاوش اورشلیم مجازی می شوید؟ همه این چیزهای دیگر را دارد اما ما فقط می خواهیم اورشلیم مجازی را کشف کنیم. بنابراین من می خواهم اینجا را کلیک کنم. سپس می توانید ببینید که یک نقشه یا لیستی از سایت ها وجود دارد. لیست سایت ها می توانند دقیقا بگویند که به کجا می رویم. بنابراین من می خواهم به لیست سایت ها بروم، اگر به نقشه بروید، بیایید ببینیم آیا این کار می کند یا خیر. می بینید که این چگونه نقشه اورشلیم با آن همه نقطه قرمز است؟ اگر روی نقطه قرمز غلت بزنید، بالا می آید و به شما نشان می دهد که کجاست. اگر کلیک کنید، به آنجا می روید. حالا، من نمی خواهم به آنجا بروم، بنابراین می خواهم به لیست سایت ها بروم. در اینجا لیستی از سایت ها وجود دارد و آنها بر اساس حروف الفبا فهرست شده اند. اینجا می توانید ببینید که می گوید منطقه چه؟ منطقه G درست آنجاست. تحت منطقه G، در واقع من نمی خواهم به آنجا بروم. من می خواهم شفت وارن را بسازم. اما بیایید اینجا را ببینیم، آیا شفت وارن را داریم یا خیر. من باید روی یکی کلیک کنم. و درست در ورودی شفت وارن است.

بسیار خوب، یک پیکان کوچک، پیکان در اینجا وجود دارد، در کنار. اینگونه برمی گردید. آیا شما بچه ها می خواهم به دیوار ناله کردن؟ بیایید به دیوار ناله برویم. حالا، یهودیان صدا می زنند آن دیوار غربی و بنابراین من اینجا را کلیک می کنم، و اکنون ما در این دیوار غربی یا ناله ای. من کمی می چرخم و اینجا هستیم. می بینید؟ اینجا دیوار غربی است. گنبد صخره در کنار دیوار غربی وجود دارد. سپس اگر شما می توانید به اطراف نگاه کنید تا ببینید اینجا چه خبر است، دلیل ما به نوعی آن را نادیده می گیریم، اگر به اینجا نگاه کنید، او اینجا است. پای آن زن جعلی است، کهنه فتوشاپ شده است. بنابراین به هر حال، اینها افرادی هستند که ما دوباره با مردم را ببینید که به پایین نگاه می کنند.

حالا، اگر واقعا می خواهید برای دیدن دیوار غربی پایین بروید، انجام می بینید که مکان نما به یک فلش تبدیل می شود؟ به یک فلش تبدیل می شود، و سپس شما کلیک می کنید، و حال حاضر ما اینجا هستیم. من می خواهم نزدیکتر شوم، بنابراین می خواهم تیری بگیرم که نزدیکتر می شود، و حالا ما نزدیکتر هستیم، و این دیوار غربی است. به این دیوار غربی می گویند. به هر حال، آیا می بینید که اینها همه مرد هستند و زنان در آن طرف این صفحه نمایش ها هستند. آنها در جوامع جداگانه عبادت می کنند: باشه؟ بنابراین زنان آنجا است، مردان اینجا هستند، و شما باید یک لباس بپوشید کیبا وقتی به آنجا می روید روی سرت می زنید. من همیشه دوست دارم زنان را به اینجا ببرم زیرا شما هرگز نمی توانید این را ببینید. برنامه او چیزی را به شما نشان می دهد که زنان در زندگی واقعی قادر به دیدن آن نخواهند بود. حالا می خواهم به دیوار غربی نزدیکتر شوم. این در واقع واقعا به آن نزدیک است. می بینید که آنها دعاهایشان را در شکاف های صخره فرو می کنند. به هر حال، شما می توانید یک ایمیل از آمریکا ارسال کنید و آنها آن را در اینجا قرار می دهند. حالا وقتی دعاهای شما را روی دیوار می گذارند، یعنی مستقیما بالا می رود، از دروازه عبور نکنید، درست بالا می رود و بنابراین سریع است. این واقعا سریع است، مستقیما به بهشت می رود. شما آنها را اینجا می گذارید و فقط باید پانزده دلار یا هر چیز دیگری بپردازید.

حالا، من می خواهم اینجا را برگردانم. کاری که من می خواهم انجام دهم این است که شما را به داخل ببرم، این مکان کوچک در سمت چپ اینجا وجود دارد که به آنجا بروید. زنان به هیچ وجه اجازه ورود به آنجا را ندارند. حقیقت صادقانه این است که من نمی دانستم آیا به من اجازه ورود به آنجا داده شده است یا خیر. بنابراین من و پسر من به اینجا رفتیم و این چیزی است که به نظر می رسد. می خواستم ببینم چه چیزی به آن طاق ویلسون می گویند. طاق ویلسون درست اینجا است. هیرو دیس ساخته شده که Remember پادشاه هیرو دیس با عیسی؟ هیرو دیس معبد را بازسازی کرد، آن طاق به معبد هیرو دیس و عیسی برمی گردد. هیرو دیس نمی خواست در دره پایین و بالا برود، زیرا بیش از حد تنبل بود. بنابراین او می خواست چیزی مستقیم در آن طرف بسازد تا مجبور نباشد به سمت دره مرکزی و بالا برود. طاق ویلسون طوری ساخته شد که هیرو دیس بتواند مستقیما راه برود طول به معبد. شما می توانید یهودیان را در اینجا ببینید که کتاب های خود را می خوانند، خاخام ها و چیزهای مختلف. شما این مرد را با شال نمازش می بینید. T او به نوعی شبیه

به آن است و طاق ویلسون وجود دارد. او به نوعی در آن جا نمی شود، آیا او است؟ به هر حال این پسر من است. من او را اینجا گذاشتم تا پیشاهنگی کند زیرا مطمئن نبودم اینکه آیا به من اجازه داده شد که در آنجا عکس بگیرم، و بنابراین من عکس می گیرم و او قرار است چشمانش را به این افراد نگه دارد تا در صورتی که مجبور شویم سریع فرار کنیم، زیرا اگر دوست نداشته باشند، دوربین شما را خراب می کنند شما عکس گرفتن. مطمئن نبودم که قرار بود آنجا باشم یا نه. هیچ با من سر و کار نداشت. اما او بود بیش از روشن پهلوی، چشمانش را نگه می دارد تا بتوانم عکس بگیرم. پس می توانیم به بیرون برگردیم. ما به عقب برمی گردیم و سپس ما پاسخ اینجا در دیوار ناله می توانید اینجا را در آنجا ببینید برخی از بچه ها با شال های دعای خود به دیوار می آیند. بنابراین آیا می بینید که چگونه در برنامه رفت و آمد کنید؟ فقط به نوعی بچرخید و به دنبال این فلش ها بگردید. حالا، به هر حال، اگر نمی دانید به چه چیزی نگاه می کنید، چه کار می کنید؟ سپس اینجا پایین بیایید و در سمت دور آنجا یا درست اینجا، اگر روی این نماد کلیک کنید، آیا می بینید که چه می گوید؟ متنی را توضیح می دهد که پانوراما را توضیح می دهد. بنابراین شما روی این کلیک می کنید و ناگهان توضیحی در مورد دیوار غربی وجود دارد، یهودیان آن را دوست ندارند اگر شما آن را دیوار ناله بنامید. باید آن را دیوار غربی نامید، زیرا دیوار غربی معبد است. حالا، اگر نمی خواهید این را بخوانید، پس یک دکمه در اینجا دارد، جایی که یک بلندگو وجود دارد. اینها صداها واقعی از سایت هستند. با شما صحبت می کند و به شما می گوید که چه چیزی دارید پاسخ دیدن. راستی، هنوز هم می توانید به اینجا بروید و هنوز هم می توانید با تصویر به هم بزنید. پس این دیوار غربی است. اگر می خواهید موسیقی را بشنوید، آیا کسی این را تشخیص می دهد؟ آیا کسی یهودی است؟ این سرود ملی یهودیان بود. حالا، به هر حال، اگر می خواهید به سایت دیگری بروید، می توانید این فلش ها را انتخاب کنید و راه بروید بین سایت ها یا می توانید اینجا بیایید. این واقعا مهم است: این لیستی از سایت ها است. شما به عقب برمی گردید و سپس اینجا را کلیک می کنید و ما به لیست سایت ها برمی گردیم. آیا می بینید که این چگونه کار می کند؟ بنابراین شما می توانید به نوعی هر کجا که می خواهید بپرید و فقط به الفبای اینجا نگاه کنید، و می توانید به سایت بروید یا اینجا را بچرخانید و می توانید نوع کنید از آنها را در کنار ببینید. سپس وقتی روی آنها کلیک می کنید، می توانید در واقع پرش به آنها. این در دسترس است پس از آن در تمام رایانه های شبکه و اینترنت. بنابراین فقط به نماد ویندوز پایین بروید و روی "همه برنامه ها" کلیک کنید. این برنامه های gazillion را فهرست می کند و در اورشلیم گم شوید. سپس می توانید وارد شوید و آن را کاوش کنید و در مورد آن بخوانید یا آن را برای شما بخوانید. مدتی را در هر یک از این سه سایت بگذرانید. این سه مکان بودند. حالا این است در اورشلیم گم شوید. بگذارید فقط بگویم، من قبلا این پروژه را داشتم که با بچه ها انجام می دادم، دانش آموزانی که آنها را در اورشلیم راهنمایی می کردم. آنها پشت سرم را دنبال می کردند. وقتی از اورشلیم عبور کردند، آیا می دانستند کجا هستند؟ نه. تنها چیزی که می دانستند مهربان است از مانند اگر شما پاسخ فیل دوم، منظره همیشه یکسان است. من در اورشلیم قدم می زنم، این بچه ها مرا دنبال می کنند و هیچ سرنخی نداشتند کجا

هستند. بنابراین کاری که من انجام دادم این بود که این تمرین را شروع کردم به نام *در اورشلیم گم شوید*. آنها را به وسط اورشلیم می بردم و سپس می گفتم: "اوه، من گم شده ام. نمی دانم چگونه از اینجا خارج شوم. من قصد ندارم شما را به جایی هدایت کنم. شما می خواهید رهبری کنید، و راه خانه خود را پیدا کنید زیرا باید سه ساعت دیگر برای ناهار به مدرسه برگردیم. بنابراین ما اساساً سه ساعت در اورشلیم سرگردان بودیم. به هر حال، آیا آنها معمولاً در نهایت راه بازگشت خود را پیدا می کنند؟ بله! و بپرسید، چه زمانی آنها رهبری می کردند و آنها مجبور بودند تصمیم گیری کنید آیا آنها واقعا اورشلیم را یاد می گیرند؟ بله. و به همین ترتیب" s، چرا این برنامه را صدا می زنم؟ *در اورشلیم گم شوید* همانطور که a نتیجه آن. شما در واقع می توانید راه خود را از طریق اورشلیم بر اساس این برنامه بیاموزید. بگذار آن را بکشم. برای کشتن آن می توانید هر کدام را انجام دهید چیز "X" یا شما فقط می توانید آمار فرار. ما از آنجا خارج شده ایم و بیابید وارد جاشوا شویم. پس بیابید *در اورشلیم گم شوید*. امیدوارم از بازی با آن لذت ببرید. فکر می کنم اگر روزی به اورشلیم بروید، بسیار شبیه به حضور در آنجا است.

ب. یوشع: عبور از رود اردن [15:18-13:14]

آخرین باری که در مورد کتاب یوشع صحبت می کردیم. یوشع داشت به زمین می آمد و از رود اردن عبور می کرد. ما در مورد رودخانه اردن صحبت کردیم مورد شصت فوت عرض تا سه فوت عمق در فصل عادی اما ما گفتیم که این در بهار است. رودخانه اردن در بهار در مرحله سیل است. ما گفتیم که رودخانه احتمالاً در شمال جایی که آنها از آن عبور کرده اند، حدود ده مایل فرو ریخته است. کتاب مقدس حتی، در فصل 3 آیه 16 در واقع رودخانه را به ما می گوید بود سد شد، به آدم. این دو بار از آنچه ما از تاریخ می دانیم اتفاق افتاده است. در سال 1927 و فکر می کنم 1200 پس از میلاد بود که آنها سابقه دارند این دیوار دره فرو می ریزد و رودخانه اردن را سد می کند. ما گفتیم که این یک معجزه زمان بندی است زیرا دره دقیقاً زمانی که آنها از آن عبور کردند فرو ریخت. اکنون، ما باید مقدار زیادی از مطالب را برای پایان دادن به آن مرور کنیم تا در جاشوا. حال حاضر وقتی آنها از رودخانه عبور کردند، خدا از آنها خواست دوازده سنگ بردارند. سپس این سنگ ها گرفته شده و به عنوان یادبود قرار می گیرند تا بتوانند از حضور این دوازده سنگ به یاد بیاورند. حالا چرا دوازده سنگ مهم هستند؟ دوازده سنگ مخفف چیست؟ دوازده قبیله اسرائیل که به سرزمین موعود می روند. اما سوال: آیا واقعا دوازده قبیله به سرزمین موعود می رفتند یا دو و نیم وجود داشت؛ روبن، گاد و نیمی از قبیله منسی، قیلا در اینجا در ماورای اردن ساکن شده بودند؟ بنابراین، در واقع، فقط نه و نیم قبایل توانستند وارد سرزمین اینجا شوند. دو و نیم قبیله دیگر اینجا بودند. بنابراین جاشوا می گوید نه، نه شما بچه ها نمی توانید کنار بنشینید زیرا در حال حاضر زمین دارید. شما باید بیابید و به ما کمک کنید تا با کنعانیان بجنگیم. بنابراین این دو و نیم قبیله مجبور شدند موافقت کنند که سربازان مبارز خود را به آنجا بفرستند برای مبارزه برای زمین. وقتی از آن عبور می کنند، به عنوان چه چیزی می روند؟ تمام اسرائیل. بنابراین این زمان بسیار ویژه ای در تاریخ برای اسرائیل است که همه اسرائیل با هم هستند. بعداً

آنها می خواهند شمال و جنوب را تقسیم کنید. آنجا's بعدا تنش های قبیله ای خواهد بود. اما در این مرحله همه با هم هستند و با هم وارد نبرد می شوند.

ج. "تا به امروز" [18:19-15:19]

حال، در یوشع فصل 4: 9 این را می گوید: «یوشع دوازده سنگ را که در وسط رود اردن بود، در جایی که کاهن حامل صندوق عهد ایستاده بود، برپا کرد. آنها تا به امروز آنجا هستند.» من در اسرائیل بوده ام و آنها تا به امروز آنجا هستند، درست همانطور که کتاب مقدس می گوید. سنگ ها هنوز آنجا هستند - همه جا روی هم انباشته شده اند. سنگ ها روی هم انباشته شده اند، صدها، هزاران سنگ. باشه؟ وقتی این می گوید که این سنگ ها "تا به امروز" وجود دارند، آیا معنی آن برای قرن بیست و یکم است؟ نه. به معنای "تا به امروز" به معنای زمانی است که کتاب نوشته شده است. محققان منتقد این بیانیه را بیرون می کشند و می گویند، "یک دقیقه صبر کنید، آنچه یوشع می گوید این است که وقایع تاریخ اتفاق افتاده است اینجا با جاشوا ولی با این حال به نظر می رسد این کتاب صدها و صدها سال بعد نوشته شده است. بنابراین که نویسنده کتاب می گوید سنگ ها هنوز آنجا هستند "تا این روز"، صدها و صدها سال بعد. W شما تاریخ می نویسید آیا می خواهید رویدادها و تاریخ نویسی به هم نزدیک باشند؟ یا آیا می خواهید رویداد تاریخی و سپس صدها سال بعد، رویدادی که باید نوشته شود؟ شما می خواهید آن را نزدیک به هم داشته باشید. بنابراین محققان منتقد می گویند نه، نه، این کتاب صدها سال بعد نوشته شد و اینکه سنگ ها تا به امروز هنوز در آنجا هستند به معنای صدها سال بعد است. سپس شما وقت دارید تا افسانه ها بزرگ شوند و همه این داستان های معجزه آسا را جمع می کنند. تنها مشکل این است که این صدها سال نوشته شده است بعد. اگر به یوشع فصل 6 آیه 25 بروید می گوید این "اما یوشع راحاب را با خانواده اش و همه کسانی که به او تعلق داشتند نجات داد، زیرا مردانی را که یوشع به عنوان جاسوس به اریحا فرستاده بود پنهان کرد و تا به امروز در میان بنی اسرائیل زندگی می کند.» او تا به امروز در میان اسرائیلی ها زندگی می کند.» پرسش: آیا این "تا به امروز است"، صدها سال بعد یا این در طول زندگی او است؟ راحاب چند ساله بود که بچه ها وارد شهر شد؟ W همانطور که او یک یا دو ساله است؟ نه، او یک کنعانی بود. بنابراین این احتمالا حداکثر 50-60 سال است، و احتمالا کمتر. "او تا به امروز زنده است." جاشوا چه می گوید؟ جاشوا می گوید، "هی، می خواهید در مورد این داستان ها بدانید؟ اگر می خواهید در مورد این داستان ها بدانید می توانید از راحاب بپرسید، او هنوز زنده است تا این روز. می توانید از او بپرسید و او در مورد این داستان ها به شما می گوید، او هنوز زنده است.» پس آیا ارزش تاریخی کتاب تأیید شده است؟ بله n بسیاری از راه ها. بنابراین این جمله در مورد سنگ ها و راحاب جالب است زیرا حضور راحاب در آنجا به ما می گوید که این صدها سال بعد نوشته نشده است. این کتاب در طول زندگی راحاب نوشته می شد.

داوود گیلگال [22:18-18:20]

حالا گیلگال. وقتی از رود اردن عبور کردند و به من اجازه دادند فقط نوعی این را ترسیم کنید.

اسرائیل اینجا در دشت های موآب است. اینجا است. آنها به دره ریفت می آیند و می خواهند از رودخانه اردن عبور کنند. وقتی از رود اردن عبور می کنند، اریحا درست اینجا است، آنها دوباره به از رود اردن عبور می کنند و آنها به اریحا نمی روند در اول. با این حال، آنها می خواهند به مکانی به نام گلگل در شمال اریحا بروند تا اردوگاه برپا کنند. احتمالاً یک مایل با اریحا یا بیشتر فاصله دارد. پس آنها می خواهند به گلگل بروند و در جایی به نام گلگل اردو بزنند در گیلگال سه چیز اتفاق می افتد و اینها چیزهای مهمی هستند. اول از همه، آنها سومین عید فصح خود را جشن می گیرند. آنها چهل سال بود که عید فصح را در بیابان سرگردان بودند جشن نگرفته بودند. آنها هر سال عید فصح را جشن نمی گرفتند. آنها وقتی از مصر بیرون آمدند آن را جشن گرفتند. یک بار دیگر بود و اکنون این سومین بار است. اما چرا این مهم است که وقتی از رود اردن عبور می کنند، اولین کاری که انجام می دهند این است که عید فصح را جشن بگیرند؟ این به ما چه می گوید؟ آنها خداوند را به یاد می آورند. آیا به ما می گوید که چه ساعتی از سال است؟ در بهار است. در زمان عید پاک ما است. بنابراین آنها در زمان عید پاک عبور می کنند. به هر حال، این دقیقاً زمانی است که رودخانه سیل می کند. این واقعیت را ذکر کرد که رودخانه در مرحله سیل در عید فصح طغیان می کرد. این نیز زمانی است که آنها گندم و جو خود را برداشت می کنند. این رشد بهاره گندم و جو است. بنابراین آنها عبور می کنند، و سومین عید فصح است جشن آنجا. این به ما می گوید که در بهار بود که آنها از آن عبور کردند. بگذارید یک دقیقه از ختنه صرف نظر کنم. مانا پس از ورود به سرزمین موعود متوقف شد. خدا دیگر نمی گوید مانا. مانا برای بیابان بود. شما بچه ها اکنون باید میوه زمین را بخورید. شما قرار است محصولات زمین، برداشت گندم و جو را بخورید بود ادامه داشت و محصولات آنجا بودند. شما اکنون از محصول زمین می خورید، دیگر محصول خاصی از بهشت وجود ندارد. من متوقف شد. حالا سومین مورد ختنه بود. آنها چهل سال است که در بیابان سرگردان بوده اند و ظاهراً نرهای خود را ختنه نکرده اند. این یک مشکل است. بنابراین خدا می گوید، قبل از اینکه به جنگ علیه اریحا بروید، باید همه مردان را ختنه کنید. سوال: آیا این یک مشکل است؟ یادتان هست که در شکیم چه اتفاقی افتاد؟ آنها می خواهند می رود به نبرد با کنعانیان. آیا می خواهید قبل از رفتن به نبرد همه مردمان ختنه شوند؟ نه، پس این یک مشکل است. با این حال، آیا اسرائیل این کار را انجام داد زیرا خدا به آن دستور داده است؟ آنها این کار را کردند. آیا این آنها را ضعیف کرد زیرا باید ختنه می شدند فقط قبل از اینکه وارد نبرد شوند؟ من اغلب فکر می کردم، حالا این فقط یک نوع عجیب و غریب هیلدبرانت است، اما خدا آنها را ختنه کرده است و سپس به آنها دستور دهید که در اطراف اریحا قدم بزنید و ساکت باشید. شما می بینید که این بچه ها همه در اطراف اریحا قدم می زنند، به یاد داشته باشید که آنها هفت روز یک بار در روز قدم می زنند. وحشتناک است اما مغز من به آنجا می رود. پس به یاد داشته باشید که در روز هفتم چند بار در اطراف اریحا قدم می زنند؟ هفت بار در یک روز. شما اریحا را دیدید. آیا می توانید هفت بار در یک روز راه بروید؟ بله. می دانید من چه می گویم. از اینجا تا لین است. تقریباً، تا آنجا که اندازه شما طول آن را می دانید. آیا می توانید هفت بار در یک روز در این اطراف قدم بزنید؟ و بعد فریاد می

زنند، شیپور می زنند، دیوارها فرو می ریزند، و آنها وارد می شوند و شهر را می گیرند. پس این چیزی است که در گیلگال اتفاق افتاد. آیا آنها می خواهند آن را به یک مکان مقدس تبدیل کنند؟ آیا گیلگال مکان ویژه ای برای اسرائیل است؟ بله. ساموئل بعداً به همان شکلی که هست قربانی می کند سائول، متأسفانه برای سائول. به یاد داشته باشید که سائول قربانی هایی را ارائه کرد که او نباید پیشنهاد می داد. که در گیلگال. خاص بود، مقدس محسوب می شد سایت پایین توسط جریکو. بنابراین سه چیز وجود دارد، در جلجال قبل از آنها واقع شروع به تصرف زمین و حمله به اریحا کنید. خدا آنها را در گیلگال کنار می گذارد و آنها به نوعی آنها را دریافت کنید یا تاقان های مستقیم.

E. باستان شناسی و اریحا [28:32-22:17]

حالا چه اتفاقی افتاد؟ دیوارهای اریحا فرو می ریزند. آنها هفت بار در اطراف اریحا قدم می زنند، فریاد می زنند، شیپورها دمیده می شوند و دیوارها فرو می ریزند. در این دهه 1930 یک باستان شناس به نام جان گارستانگ بود که به آنجا رفت و او یک بیل مکانیکی در اریحا بود و فصل های زیادی در آنجا حفاری می کرد. او دیوارهای برنز پسین را پیدا کرد. بله، او دید که دیوارهای اریحا درست همانطور که کتاب مقدس می گوید به سمت بیرون فرو می ریزند. وقتی در کلاس مدرسه یکشنبه بزرگ شدم، از گارستانگ نقل قول کردند، حفار اصلی باستان شناسی اریحا. آنها به ما گفتند، به آن نگاه کنید، گارستانگ یافت دیوارهای اریحا درست همانطور که کتاب مقدس می گوید فرو ریختند. باستان شناسی ثابت می کند کتاب مقدس. گارستانگ متوجه شد که دیوارها به سمت بیرون می ریزند.

ناگهان در دهه های 1960 و 70 زنی به نام کاتلین کنیون وجود داشت. در واقع، آنها او را خانم کنیون صدا می زنند، او بریتانیایی است، می دانید، بریتانیایی است، آنها همیشه کمی باهوش تر از بقیه هستند. بنابراین آنها او را خانم کنیون صدا می کنند و او برای بسیاری در اریحا حفاری می کرد، بسیاری از فصول. در واقع او به مدت 20 سال در آنجا حفاری کرد. او رئیس بیل مکانیکی است از جریکو. او کتاب های زیادی نوشت حفاری اریحا غیره. او متوجه شد که آنچه گارستانگ آن را دیوارهای برنز پسین خود می نامد که در زمان جاشوا بوده است، تصمیم گرفت که آن دیوارها توسط گارستانگ اشتباه شده بودند و او هشتصد سال آن را از دست داد. بنابراین به جای اینکه آن دیوارها در هنگام عبور جاشوا آنجا باشند، آن دیوارها می توانستند بازگشت در زمان از ابراهیم، اسحاق و یعقوب. بنابراین او گفت که دیوارها اشتباه بوده اند و در زمان یوشع به این نتیجه رسید که هیچ دیواری در اطراف اریحا وجود ندارد. او به این نتیجه رسید که در دوره برنز پسین هیچ دیواری در اطراف اریحا وجود نداشت، اما دیوارهایی که پیدا شدند مربوط به برنز اولیه است که به زمان ابراهیم، اسحاق و یعقوب باز می گردد. بنابراین، آیا باستان شناسی ثابت می کند کتاب مقدس؟ حالا باستان شناسی چه می کند؟ در اینجا آن را رد می کند کتاب مقدس. آیا باستان شناسی ثابت می کند کتاب مقدس یا رد کتاب مقدس و این سوال را ایجاد می کند.

ببینید و ببینید مردی به نام برایانت وود وجود دارد و او از دهه 1990 می آید. حالا که به روز تر

هستی، مثل در دهه 90، آیا این اطلاعات بهتر از چیزی از دهه 60 یا 70 خواهد بود؟ هر چیزی از دهه 60 و 70 را گرفته است اشتباه می کنید، درست است؟ قدیمی است، واقعا قدیمی. بنابراین هر چیز قدیمی باید اشتباه باشد. فقط از ال گور بپرسید. به هر حال، کاتلین کنیون درگذشت.

وقتی در کالج بودم، در یک برنامه مهندسی الکترونیک بودم و همه این آزمایشگاه ها را انجام دادیم. آیا تا به حال در یک زمینه آزمایشگاهی بوده اید که از نظر ریاضی بدانید داده های شما باید چه باشند. شما می دانید که در آزمایش چه کاری انجام دادید و می دانید که آزمایش شما چه بود. آیا شما بچه ها می دانید عوامل فاج چیست؟ اینها چیزهایی هستند که ما در این کار بسیار خوب به دست آوردیم. من نمی دانم شما بچه ها امروز آنها را چه صدا می کنید. ما آنها را فاکتورهای فاج می نامیدیم و اساسا، شما به آزمایشگاه می رفتید و می دانستید که چه چیزی باید باشد و می دانید چه چیزی به دست آورده اید و می گوید، "مرد، ما اشتباه کردیم. ما باید این کار را انجام دهیم." و کاری که شما انجام دادید این بود که این فاکتورهای فاج را انجام دادید و آزمایشگاه خود را به کار انداختید. آزمایشگاه ما درست شروع شد هر زمان. مردم این کار را در علم انجام نمی دهند، اینطور نیست؟ نه، نه، این مهندسی برق است، واقعا علم نیست. اما به هر حال، من در اینجا فقط جعلی هستم. آیا تا به حال داده هایی را برای حمایت از نظریه خود انجام داده اید و نادیده گرفته اید؟ دیگر داده هایی که از تئوری شما پشتیبانی نمی کنند؟ به نظر می رسد که براینانت وود، اکنون که خانم کنیون مرده است، برای بررسی داده های خود وارد شد و متوجه شد که وقتی او گفت هیچ دیواری در آنجا وجود ندارد و تاریخ دیوار مربوط به دوره اشتباه است، او فقط به داده هایی استناد می کند که از نظریه او پشتیبانی می کند. آیا مجموعه ای از داده ها وجود داشت که با نظریه او در تضاد باشد و او نادیده گرفته شود؟ بله. او این داده ها را پیدا کرد و گفت، "اوه، به این نگاه کنید، او فقط این را نادیده گرفته است، سفال، این قبرستان اطراف که مردم در آن دفن شده اند. قبرستان اطراف آنجا نشان می دهد که مردم چه زمانی مرده اند و چه زمانی این اتفاق افتاده است؟ بنابراین براینانت وود نشان داده است که برخی از اینها همه اشتباه است. او به عقب برمی گردد و می گوید که این دیوار به درستی توسط گارستانگ یا حدود آن تاریخ گذاری شده است و باید عصر برنز پسین باشد. پس سوال، آیا باستان شناسی ثابت می کند کتاب مقدس، کتاب مقدس را رد می کند، یا این چیزها مورد بحث هستند؟ هر ده یا بیست سال یک بار "دانشمندان" نظر خود را در این مورد تغییر می دهند؟ بحث بزرگی در مورد این موضوع وجود دارد. تنها چیزی که می گویم این است که وقتی کسی بلند می شود و می گوید، "باستان شناسی کتاب مقدس را ثابت می کند" باید واقعا مراقب باشید. شما باید در این مورد واقعا مراقب باشید زیرا من می توانم تعدادی از مکان ها را به شما نشان دهم که باستان شناسان می گویند، "نه، باستان شناسی کتاب مقدس را رد می کند." بنابراین چیزی که من می گویم این است که دانشمندان هستند که با چیزهای تاریخی کار می کنند، آیا آنها همه داده ها را دارند؟ آنها همه داده ها را ندارند. آیا آنها نظریه های خود را دارند؟ آیا برخی از باستان شناسان تقریبا عمدا برای رد کتاب مقدس کار می کنند؟ آیا دیگران در تلاش برای اثبات کتاب مقدس؟ بنابراین تنها چیزی که می گویم این است که مراقب باشید، باستان شناسی یک هنر و

یک علم است. بنابراین شما باید مراقب داده ها باشید. اگر باستان شناسی خوبی می خواهید، چه کار می کنید؟ شما می گیرید دوره باستان شناسی دکتر ویلسون و او حقیقت را به شما خواهد گفت. دکتر ویلسون باستان شناسی تدریس می کند اینجا. آیا باستان شناسی به ما حقیقت می دهد؟ تنها کاری که انجام می دهیم این است که علامت سوال را در کنار آنها قرار دهیم. مراقب باشید که وزن بیش از حد برای باستان شناسی وارد کنید. باستان شناسی در طول دوره ها تغییر می کند. ما داده های بیشتر و بیشتری دریافت می کنیم. ما یاد می گیریم که چیزها را متفاوت تفسیر کنیم دوره ای از زمان. آنها بسیار علمی تر شده اند، تاریخ گذاری کربن 14 بسیار بسیار دقیق تر از بیست سال پیش شده است.

کشف [28:33-33:56] F. Ebal Atlar

این یکی است که اتفاق افتاده است، فکر می کنم در دهه 90 بود. من فکر می کنم این واقعا جالب است. در اسرائیل، آنها این مکان را دارند به نام کوه ایبال. برخی از مردم آن را "تن. او-طاس" اما من آن را دوست ندارم. پس به آن می گویند ایبال. کوه ایبال و کوه گرزیم و این دو کوه هستند. یهودیان وقتی با یوشع وارد شدند، مردم نفرین می خواندند کوه ایبال و برکات در کوه گرزیم بود. B از کوه ایبال و کوه گرزیم یک دره وجود دارد و در آن دره جایی است که شکیم قرار دارد. آیا کسی شکیم را به یاد دارد؟ این جایی است که زن در چاه در یوحنا 4 اتفاق افتاد. آیا کسی عیسی و زنی را که در چاه بود به یاد می آورد؟ آن در شکیم بود. بنابراین بین کوه عیبال و کوه گرزیم وجود دارد این است محل به نام شکیم که در آن پدرسالاران رفت و آن عیسی بعدا رفت. من در شکیم بودم. آخرین باری که در شکیم بودم، داشتم عکس می گرفتم. حالا وقتی عکس می گیرم مشکل چیست؟ آیا به صورت سه بعدی عکس می گیرم؟ آنها 360 درجه هستند. معمولا مردم بالا می روند و یک بنای سنگی در آنجا وجود دارد، و از بنای سنگی عکس می گیرند. اما چون من پانوراما می کنم، آیا این کار را می کنم دهه 360؟ بنابراین من از سنگ آنجا عکس گرفتم و سپس از اطراف عکس گرفتم. اما در حالی که داشتم عکس می گرفتم، داشتم از این جنگل ها عکس می گرفتم و نمی دانستم که یک دسته از سربازان عرب در آن جنگل نشسته اند و مرا تماشا می کنند. من فقط از آنها در جنگل پنهان شده عکس گرفتم. آیا این باحال است؟ این جالب نیست. بنابراین ناگهان 6 عکس خود را با لنز واید خود به پایان می رسانم و ناگهان، از قلم مو ها و جنگل های طرفین، این شش نفر که آدم های عرب هستند و مسلسل حمل می کنند، بیرون می آیند. این مشکل است. و بنابراین آنها می آیند و شما عکس می گیرید. شما عکس گرفتید و آنها در مورد دوربین من وحشت می کنند. من فکر می کنم "امیدوارم آنها دوربین من را بدزدند یا دوربین من را خراب نکنند." انجام می دانید من چه می گویم؟ من آمده تمام راه را برای گرفتن عکس. خوشبختانه برای من یا بهتر از آن برای من، یک مبلغ مذهبی از عمون وجود داشت. او ده سال را در آمون جردن گذرانده بود. او می دانست چگونه به زبان عربی روان صحبت کند. رفیق من با این بچه ها سر راه می پرد و عربی را شروع می کند، می دانی مهسلامی نوعی چیزها. بنابراین او شروع به انجام کارش می کند و با آنها صحبت می کند. او به او می گوید اشکالی ندارد این بچه ها فقط یک آمریکایی گنگ. او فقط عکس می گیرد. او نمی

داند چه کار می کند. من می گویم درست است. من واقعا سپاسگزار بودم برای او. او به عنوان یک مبلغ مذهبی با آنها صحبت می کرد، به زبان عربی و عربی روان صحبت می کرد و آیا می دانستید که من تصور می کردم کاری که آنها انجام می دادند این بود که فیلم را از دوربین بیرون می کشیدند. فیلم را پاره کنید و این کار را انجام دهید. من فرض می کردم، فقط امیدوار بودم که آنها دوربین را نگیرند. آنها حتی دوربین را باز نکردند. آنها مرا رها کردند. او از طریق آن صحبت کرد. من دوربین را گرفتم و گفتیم "بیایید همین الان به اتوبوس برگردیم." ما به اندازه کافی از شکیم خسته شده ایم. حالا، بالا تن. ایبال، این در دهه 90 است، باستان شناسان در کوهستانی که نفرین ها در آن خوانده می شدند. یک محراب وجود داشت، یک تپه در آنجا بود، و باستان شناسان شروع به حفاری کردند و وقتی شروع به حفاری کردند، یک محراب بزرگ پیدا کردند. هیچ یک از اینها نیست کمی محراب هایی مانند بئر شبع، شما این ارتفاع و این بزرگ را می دانید. این یک محراب بزرگ است که از سنگ تراش نخورده ساخته شده است و یک سطح شیب دار وجود دارد که به سمت آن می رود. حالا این به شما چه می گوید؟ ساخته شده از سنگ تراش نخورده با سطح شیب دار؟ آیا کنعانیان مذبح های خود را از سنگ های تراش نخورده می ساختند یا سنگ های تراش خورده بودند؟ این سنگ تراش نخورده است. آیا یهودیان باید از سنگ های تراش نخورده محراب می ساختند؟ آیا یهودیان باید به محراب خود قدم برمی داشتند؟ بدون مرحله. آنها قرار بود رمپ هایی را تا محراب بسازند. حدس بزنید چه، این یک سطح شیب دار با سنگ های تراش نخورده داشت. سوال: آیا این یک محراب یهودی است؟ آنها بعدا متوجه شدند که قدمت آن به جاشوا برمی گردد. چیزی که آنها پیشنهاد می کنند این است که این مذبح از فصل 8 آیه 30 است که در آن چنین می گوید: "یوشع در کوه عیبال مذهبی برای خداوند خدای اسرائیل بنا کرد، همانطور که موسی بنده خداوند به بنی اسرائیل فرمان داده بود." چیزی که آنها پیشنهاد می کردند این بود که آنها در واقع محرابی را که یوشع ساخته بود پیدا کردند. حالا، به محض اینکه کسی می گوید محرابی را که یوشع ساخته بود پیدا کردند که این کتاب مقدس از نظر تاریخی دقیق است، روز بعد چه اتفاقی می افتد؟ باستان شناسان دیگر به آنجا می رسند و به این چیز حمله می کنند و می گویند، "آه، به اشتباه در دوره اشتباه تاریخ گذاری شده است. آنها 300 سال آن را از دست دادند و بنابراین محراب یوشع نیست. ما نمی دانیم محراب کیست، اما یک محراب بزرگ قدیمی و بوق در آن بالا است." پس آیا قرار است در این مورد بحث وجود داشته باشد؟ آیا تا به امروز در این مورد بحث وجود دارد؟ آنها به بحث می روند. بنابراین همه من! رفتن به آیا این است که بگویید، حالا فکر می کنم این محراب جاشوا است؟ این یکی است که فکر می کنم از جاشوا است، فکر می کنم آنها درست متوجه شده اند. اما بحث های زیادی در این مورد وجود دارد و این چیزی است که در باستان شناسی اتفاق می افتد. تنها کاری که از شما می خواهم انجام دهید این است که حسی از باستان شناسی داشته باشید. آیا باستان شناسی ثابت می کند کتاب مقدس؟ بله. اما شما باید واقعا مراقب آن باشید. در غیر این صورت، باستان شناسی در نقاط خاصی کتاب مقدس را رد می کند و باید این را مرتب کنید. هر کسی نظریه های خود را دارد و همه چیز اشتباه می شود، انواع مشکلات وجود دارد. بنابراین باید مراقب باشید. آنها در

مورد فرهنگ بیشتر یاد می گیرند، باستان شناسی یکی از علوم بزرگ جهان است. چیزهایی که ما در مورد خاور نزدیک باستان آموخته ایم، اما شما باید واقعا مراقب باشید. واقعا بحث های زیادی شده است.

G. فریب و اتحاد جبنونی [34:47-33:57]

حالا، جاشوا در اریحا است. شما می توانید دریای مرده را در آنجا ببینید، دریای نمک، و سپس درست از آنجا اریحا است. یوشع با جبعونی ها متحد شد. بگذارید دکمه را در اینجا برای جبعونی ها، شهر جبعون بزنم. آیا به یاد دارید که جبعونی ها لباس های کهنه پوشیده بودند، آنها غذای قدیمی آوردند، و آنها گفتند، ما از هزار مایل دورتر آمده ایم. به همه این چیزها نگاه کنید، این صندل ها خوب بودند اما اکنون همه آنها فرسوده شده اند. ما می خواهیم با شما اتحاد کنیم زیرا در مورد خدای شما شنیده ایم. ما می خواهیم با شما اتحاد کنیم.» سوال؟ آیا آنها از خیلی دور آمده اند؟ نه. آنها از مرکز مرده در وسط اسرائیل هستند. مرده، ضربه زدن، مرکز مستقیم اسرائیل جایی است که آنها از آن آمده اند. یهودیان نمی دانستند. به هر حال، یهودیان هرگز با خدا مشورت نکردند و با جبعونی ها اتحاد کردند.

H. لیگ جنوبی [35:26-34:48]

حالا وقتی با جبعونی ها متحد می شوند، چه اتفاقی می افتد؟ اورشلیم، الخلیل، لاکیش، برخی دیگر از شهرهای جنوب، پنج شهر، دور هم جمع شدند و گفتند، "ما می خواهیم به جبعونی ها چون با اسرائیل اتحاد کردند. بنابراین این پنج شهر جنوبی دور هم جمع می شوند و برای حمله می آیند گیبئون. جبعون فریاد می زند به جاشوا. آنها افرادی را نزد یوشع می فرستند و می گویند، یوشع بیا و به ما کمک کند. جاشوا قصد دارد تمام شب سربازان خود را راهپیمایی کند و اینجا جایی است که خورشید ثابت خواهد ماند. آن را به خاطر دارید؟ اینجا است که اتفاق می افتد. این زمینه ایستاده خورشید است - پنج شهر جنوبی که در مقابل جبعون قرار می گیرند و یوشع تمام شب را راهپیمایی می کند.

I. پیاده روی در صحرا از اریحا تا میخماش [42:29-35:27]

حالا، زمانی که در اسرائیل بودم، در آن زمان حدود 25 سال داشتم. و من دو دوست داشتم، هر دو دیوز، ما خودمان را DDT، دیو، دیو و تد می نامیدیم و برای پیاده روی در بیابان بیرون می رفتیم. پس اینجا بیابان است. وقتی از این جاده عبور کردید، آیا این جاده را اینجا می بینید؟ این مسیر ریج نامیده می شود. هنگامی که به سمت دیگر شرق مسیر ریج می رسید، همه اینها بیابان است. اکنون تمام آب از دریای مدیترانه که در اینجا پایین است به اینجا می رسد. هنگامی که از خط الراس عبور می کنید، این بیابان است. مثل کالیفرنیا است، در سمت جلوی کوه آب وجود دارد، اما در پشت کوه چه چیزی وجود دارد؟ کویر. بنابراین بیابان اینجا است و ما معمولا در صحرای یهودیه از اورشلیم تا اریحا پیاده روی می کردیم. اما ما یک روز تصمیم گرفتیم که هر ضعیفی می تواند از اورشلیم به اریحا برود. من همه در سراسر 20 مایل یا بیشتر است. بنابراین تصمیم گرفتیم کهدوباره به مانند مردان یوشع باشید. W ما می خواهیم از جریکو شروع کنیم. ما می خواهیم از این صخره ها بالا برویم و 20 مایل را در اینجا پیاده روی کنیم. ما می خواهیم درست مانند مردان

جاشوا به میکماش برویم. به هر حال، سربالایی است. جریکو حدود 800 فوت زیر سطح دریا قرار دارد، حدود 2500 فوت بالاتر از سطح دریا است. بنابراین شما حدود 3300 فوت صعود کردید و سپس مثل این هستید که ابتدا 1800 فوت بالا بروید و سپس در سراسر بیابان حرکت کنید. بنابراین ما بودیم، چگونه باید این را بگویم، من واقعا در آن بودم، شکل واقعا خوب. در آن زمان من یک ورزشکار بودم، برای کالج بسکتبال بازی می کردم و چیزهای دیگری از این قبیل. اما من در بهترین فرم بودم. ما به قدم زدن در بیابان عادت کرده بودیم، بنابراین همه ما با آب خود پر شده بودیم. ما صعود خود را از این اولین مجموعه صخره ها شروع کردیم تا از این دره ریفت بیرون بیاییم. از اولین مجموعه صخره ها بالا رفتیم. همانطور که بلند می شویم، دما شروع به افزایش می کند و گرمتر و گرمتر می شود و بیابان شروع به رسیدن به 110 می کند. ناگهان ما در این بیابان قدم می زنیم و به هر حال، آیا شما در دره راه می روید یا روی خط الراس راه می روید؟ شما همیشه روی خط الراس راه می روید. ما این کار را زمانی انجام دادیم که از بیت لحم بیرون آمدیم، وقتی در دره قدم می زدیم، و یک بچه 12 ساله بود، و این حقیقت صادقاته است، یک بچه عرب 12 ساله در بالای آن نشسته است، ما حدود 300 فوت در این تنگه پایین بودیم. او شروع به پرتاب سنگ به سمت ما می کند. بنابراین ما به پایین نگاه می کنیم و بام، بام! این سنگ ها پس ما به بالا نگاه می کنیم، این بچه ها سرش را می خندند، این سنگ ها را پرتاب می کنند، سنگ هایی که آنقدر بزرگ هستند که سر شما را از بین ببرند. آنها 300 فوت سقوط می کنند، به شما ضربه می زنند، حدس بزنید چه؟ شما یک مشکل دارید. خب این بچه می خندد و سه نفر بزرگ بچه های آمریکایی، او ما را به زمین سنجاق کرده است. H ای سنگ های تکان می دهد، و، ما دویدن را شروع می کنیم زیرا نمی توانستیم به او برگردیم. صخره هایی در آنجا وجود دارد و بنابراین ما بلند شدیم. ما از آن درس گرفتیم: شما در دره ها راه نمی روید. شما روی پشته ها راه می روید. بنابراین اکنون ما روی پشته های صحرا قدم می زنیم. وقتی روی خط الراس راه می روید، به این معنی است که نمی توانید از آن عبور کنید، نمی توانید فقط به جاده بپردازید. ناگهان آب ما شروع به تمام شدن می کند. وقتی آب شما شروع به تمام شدن می کند و دمای آن 110، 115، 120 درجه است، ناگهان کم آب می شوید. وقتی کم آبی می شوید چه اتفاقی می افتد؟ آیا می دانید، آیا هر یک از شما بچه ها غش کرده اید و درست قبل از غش کردن شروع به دیدن ستاره های سفید می کنید و همه چیز شروع به سفید شدن می کند و به شما نزدیک می شود؟ ناگهان ما در بیابان قدم می زنیم و همه چیز به طرز وحشتناکی سفید می شود و چشم انداز در حال نزدیک شدن است. شما به بالا نگاه می کنید و وقتی به بالا نگاه می کنید می بینید که اینها وجود دارند موجودات بالا با طول بال 6 فوت که بالای سر می چرخند. به نظر می رسد، احتمالا می دانید که چرا آنها بالای سر می چرخند. سپس به بالا نگاه می کنید و ناگهان از روز و سن من، فیلمی را به یاد می آورید که در کودکی دیدید به نام "پرندها". آیا هنوز بیرون است؟ آن چیز قدیمی است! بنابراین من این پرندها را می بینم. بنابراین دیو می گوید، "ما فقط باید از این کوه 394 عبور کنیم و در حال راهپیمایی هستیم. بله، ما آب نداریم، و واقعا بد می شود. ما از کوه 394 بالا می رویم و از این کوه بالا می رویم، بلند می شویم و او می

گوید، "اگر فقط از کوه عبور کنیم، میچماش در آن طرف خواهد بود و سپس می توانیم به شهر برویم و برویم چیزی برای نوشیدن بیاوریم." بنابراین ما در حال بالا رفتن از این کوه هستیم. ما به بالای کوه می رسیم و از خط الراس عبور می کنیم، او در مورد میلک شیک صحبت می کند، وحشتناک بود. من تقریباً آماده کشتنش بودم. از بالای کوه بالا می رویم، از خط الراس بالا می رویم و هیچ میچماش وجود ندارد. او نقشه را اشتباه خواند. سپس ما تقریباً او را کشتیم. وقتی به بیرون نگاه می کنید، احساس تهوع آوری است. آیا شما بچه ها برای اقیانوس احترام قائل هستید؟ در اینجا شما بر فراز اقیانوس خم می شوید، نه به طور جدی، به اقیانوس نگاه می کنید و می بینید که عظیم است. اگر در اقیانوس سوار شوم، یک لکه خواهم بود و فقط مرا می بلعد. من همان احترام را برای صحرا قائل بودم. آیا تا به حال در یک زمینه بیابانی بوده اید وقتی به بیرون نگاه می کنید و هر جایی که می توانید ببینید فقط بیابان است تا جایی که چشم می تواند ببیند. شما به عنوان یک انسان احساس می کنید که بسیار کوچک هستید. ناگهان می دانید که کم آب شده اید و می دانید که به دردرس افتاده اید و او فقط آن نقشه احمقانه را اشتباه خوانده است و سپس به این معنی است که شما باید به دره بروید و از کوه بعدی بالا بروید و امیدوار باشید که میچماش در آن طرف باشد. ما از دره پایین رفتیم، از کوه بعدی بالا رفتیم، از بالای آن عبور کردیم. وقتی به میچماش آمدیم و قرمز چغندر شدیم. همه افراد در میچماش پرسیدند: «از کجا آمده اید؟» ما از اریحا آمده ایم. "اوه! شما در چنین روزهایی از بیابان عبور نمی کنید. امروز هوا گرم است." بله، ما می دانیم که هوا گرم است. جریکو؟ "می دانید که هیچ از اریحا نمی آید. شما فقط این کار را نمی کنید." آن مرد ما را به مغازه اش دعوت می کند و می گوید: "هر چیزی که می خواهی بنوشید دوستان من، هر چیزی که می خواهی بنوشید، رایگان، بر عهده من است." بنابراین ما فکر کردیم که این عالی است، من هرگز یک عرب را نداشتم که چنین کاری رایگان انجام دهد. شما همیشه باید مبادله کنید. این مرد گفت رایگان. ما مانند قهرمانان شهر هستیم. همه این مردم آمدند و آنها مانند این آمریکایی ها هستند، می دانید که ما به صحرا می رویم. آنها به شما نمی گویند بنابراین شما شروع به نوشیدن این چیزها می کنید. مغز شما بیشتر از آب ساخته شده است. باشه. برخی ممکن است بگویند هوا اما بیشتر آب. اتفاقی که می افتد این است که وقتی کم آب می شوید، مغز شما در واقع کوچک می شود زیرا آب زیادی در آن بالا دارد. به همین دلیل است که در دیدن مشکل زیادی دارید. مغز شما در واقع در حال فروپاشی است و همچنین وقتی از حفره سر شما بیرون می آید، بدتر می شوید. من سردردهای میگرنی ندارم. من هرگز این کار را نکرده ام، اما سردرد آنقدر قوی می گیرید که تقریباً شما را از روی پاهایتان برمی دارد. خیلی درد می کند و نمی توانید ببینید. فقط به این دلیل است که مغز شما در حفره مغز شما فرو رفته است، مغز شما هنوز در حال وحشت است. سپس شروع به خوردن این نوشابه می کنید، درست است؟ آنها به شما نمی گویند که هر بار که این چیزها را می خورید، بدنتان پایین می آید، کم آب می شوید و نمی تواند آب را بپذیرد زیرا بیش از حد می نوشید. پس هر چیزی که پایین می آید، حدس بزنید چه؟ دوباره بالا می آید. حالا این واقعاً بدترین احساس است، زیرا شما در حال مرگ هستید زیرا به چیزی برای نوشیدن نیاز دارید. هر چیزی که می گذارید دوباره

بالا می آید. وقتی روده خود را بیرون می آورید و تعجب می کنید، "اینجا چه خبر است؟" من فقط به چیزی برای نوشیدن نیاز دارم اما نمی توانم چیزی را پایین نگه دارم. بنابراین در همین حال ما یک سواری رایگان داشتیم، ما قهرمانان شهر بودیم، وحشتناک بود. اما به هر حال، به خانه می رسیم و در نهایت شیر گرم را روی قاشق می ریزیم. یک قاشق در یک زمان، باید به آرامی آبرسانی کنید. برخی از شما احتمالا بیشتر از من در این مورد می دانید. ما نمی دانستیم چه کار می کنیم، تنها چیزی که می دانستیم این بود که هیچ یک از ما نمی توانیم چیزی برای ماندن پیدا کنیم. بنابراین شما مجبور بودید آن را به آرامی انجام دهید تا بدن شما بالا نرود. پس این تجربه من با صحرا است.

J. Sun ایستاده در [42:30-44:32] Gibeon

حالا شما می گوید، "چرا هیلدبرانده، این همه داستان احماقانه را تعریف می کنی؟" خوب، من می خواهم به مردان جاشوا فکر کنید. آنها از جریکو تا جبعون سفر می کنند، که حدود 10 مایل دیگر از اینجا فاصله دارد. تمام شب آنها راهپیمایی می کنند. شما بچه ها تا به حال یک راهپیمایی تمام شب را می کشید و 30-40 مایل در سربالایی حدود 3300 فوت اختلاف بیش از 20 مایل و تمام شب راهپیمایی می کنید. سوال، آیا آماده مبارزه در روز بعد هستید؟ ما روز بعد در حال صحبت با نبرد تن به تن هستیم. شما هیچ ردبول یا هیولا برای نوشیدن ندارید. سوال، آیا قرار است برای مبارزه آماده باشید؟ سپس یوشع برای چه دعا می کند؟ سپس یوشع دعا می کند همانطور که جاشوا می گوید، آنها اینجا می جنگند، "خداوند، ما باید این بچه ها را شکست دهیم. یک دوره 24 ساعته دیگر در روز به ما بدهید." آیا هیچ یک از شما دو دوره 24 ساعته را به این شکل کشیده اید؟ حالا می خواهم از شما در مورد ایستاده خورشید پرسم. این جایی است که ما می رویم. آنها تمام شب را راهپیمایی می کنند و سپس جاشوا 24 ساعت دیگر می خواهد. آیا این منطقی به نظر می رسد یا سوالات بیشتری را ایجاد می کند؟ آیا راه های دیگری برای نگاه کردن به آن 24 ساعت در روز طولانی شدن وجود دارد؟ من می گویم مطمئن نیستم که با زمینه مطابقت داشته باشد. اگر من جاشوا بودم، روز کوتاه تری می خواستم زیرا ما فقط 30 مایل راهپیمایی کردیم. به هر حال، اگر شب ها در بیابان راهپیمایی کنید، مشکل چیست؟ آیا شب ها اینطور در بیابان بیرون می روید؟ پاسخ این است، نه. آنها به شما می گویند، به هر حال خیلی زود یاد می گیرید، آیا به سنت ها گوش می دهید؟ وقتی به شما می گویند، شما در دره راه نمی روید، آیا در دره راه می روید؟ خوب، ما آن را نادیده گرفتیم و تقریبا سرمان را از بین بردیم. آنها به ما گفتند که شما شب ها بیرون نروید زیرا آنچه در شب اتفاق می افتد شما نمی توانید خوب قضاوت کنید و مردم از صخره ها پیاده روی کرده اند. و روز بعد آنها را مرده در این دره ها پیدا می کنند. شما شب ها راه نمی روید. به هر حال، آیا سربازان ما عمدا در شب می جنگند؟ سربازان ما در شب می جنگند زیرا ما در شب به دلیل این عینک های شب برتری داریم. من می دانم که پسر من در افغانستان بود، هم در افغانستان و هم در عراق، آنها برای گشت زنی شبانه بیرون می رفتند زیرا ما در شب به دلیل عینک شبانه برتری داریم. اگر آن عینک شب را نداشته باشید، به دردسر افتاده اید؟ و این چیزی است که آنها می گویند.

K. گزینه های [44:33-52:54] Sun Standing Still

بنابر این به هر حال با جاشوا و این لشکرکشی جنوبی. این جئونیت ها در فریبکاری خود این لباس های کهنه را می پوشند و غذای کهنه با کپک می آورند، پوست شراب آنها همه ترک خورده است و می گویند: "آه، می دانید که ما این نان را تازه از تنور برداشتیم. حالا ببینید همه چیز کپک زده است. ما از راه دور آمده ایم، پس با ما پیمان ببندید. یوشع، با ما پیمان ببند." آنها با آنها پیمان می بندند. سپس آنها فریاد می زنند: "ما اکنون به کمک نیاز داریم، این اتحادیه جنوبی، اورشلیم، حبرون، لاکیش، این شهرهای دیگر به ما حمله می کنند." بنابر این یوشع تمام شب سربازان خود را پیاده روی می کند و در فصل 10 آیه 11 خورشید را که بی حرکت ایستاده است توصیف می کند. در حالی که آنها در برابر اسرائیل فرار می کردند، اسرائیل تمام شب را به آنجا می برد و به محافظت از جبعون حمله می کند. هنگامی که آنها در راه پایین آمدن از بیت حورون به عزقیه به حضور اسرائیل گریختند، «خداوند از آسمان تگرگ های بزرگی بر ایشان فرود آورد و بیشتر از تگرگ مردند تا شمشیرهای بنی اسرائیل کشته شدند.» آیا این منطقی است؟ "بیشتر آنها توسط تگرگ و سپس توسط شمشیرهای اسرائیلی کشته شدند. که روزی که خداوند اموریان را به اسرائیل سپرد، یوشع در حضور اسرائیل به خداوند گفت: «و این است که میگوید: «ای خورشید، بر جبعون ایستاد.» بنابر این خورشید بر فراز یک افق ایستاد» و ماه، بر فراز دره ایجالون،» که افق دیگر است. بنابر این خورشید در آنجا بی حرکت ایستاده است، ماه در آنجا ایستاده است. «پس خورشید ایستاد و ماه متوقف شد تا اینکه امت از دشمنان خود انتقام گرفت، چنانکه در کتاب جشار نوشته شده است.» آیا هیچ یک از شما کتاب جشار را خوانده است؟ برای هفته آینده اختصاص داده شده است. کتاب جشار کجاست؟ آیا بخشی از کتاب مقدس است؟ راستی آیا یوشع به کتاب جشار استناد می کند؟ این داستان، اگر می خواهید در مورد این داستان توضیح دهید، به کتاب جشار مراجعه کنید. آن است [او کتاب جشار؟ کسی داند. کتاب جشار گم شده است. به هر حال، آیا کتاب مقدس بسیاری از کتاب های گم شده از گذشته را در سایت قرار می دهد؟ بود کتاب مقدس تنها کتابی است که در سراسر جهان باستان پخش می شود؟ نه، در اینجا او به کتاب جشار که مدت هاست از بین رفته است. هیچ در سه هزار سال گذشته آن را ندیده است. اما یوشع ظاهراً این داستان را از آن ثبت کرده است. خورشید در وسط آسمان متوقف شد و یک روز کامل غروب نکرد. هرگز روزی مانند آن قبل یا بعد از آن نبوده است، روزی که خداوند به یک مرد گوش دهد.» این یک بیانیه بسیار جالب در اینجا است. پس خورشید ایستاده است، این به چه معناست؟ برخی می گویند این روز گمشده جاشوا است. این یک دوره 24 ساعته است که خورشید بی حرکت بود. به هر حال، از شما می پرسم، آیا خورشید ثابت می ایستد یا زمین می چرخد؟ خورشید به دلیل چرخش زمین طلوع می کند. بنابر این، در واقع شما باید جلوی چرخش زمین را بگیرید. سوالات این باعث ایجاد مشکل می شود؟ اقیانوس ها به چه کسی می روند. بنابر این زمین در حال چرخش است. آیا می توانید خم شدن سبک انجام دهید؟ آیا می توانست نور را خم کند و زمین را شبیه ایستاده خورشید کند؟ بنابر این من نمی دانم خدا چگونه این کار را انجام داد اما هنوز برخی از مردم می گویند، "آنها این

را در یک کامپیوتر قرار دادند و کامپیوتر متوجه شد که 24 ساعت گم شده وجود دارد. مشکل من با کامپیوتر این است که آیا می دانید گیگو اصل برای کامپیوتر؟ زباله در، زباله بیرون. آیا رایانه ها به شما می گویند که چه چیزی را در آن قرار می دهید؟ بنابراین تنها چیزی که می گویم این است که مراقب استفاده از رایانه برای اثبات کتاب مقدس باشید. در ایستاده خورشید هنوز در مورد راه حل کامپیوتری محتاط باشید. آیا جاشوا 24 ساعت دیگر می خواهد تا سربازانش بجنگند؟ چیزی که می خواهم به شما بگویم این است که فکر می کنم سربازان او بسیار خسته هستند. او درخواست تسکین می کند و برخی از مردم پیشنهاد می کنند که آنچه او واقعا می خواهد این است که "بی حرکت بایستید" را می توان به عنوان "ساکت شده" نیز ترجمه کرد. بنابراین چیزی که او می خواهد این است که خورشید خاموش شود. سربازانش توسط خورشید مورد ضرب و شتم قرار می گیرند، خورشید در آنجا شدید است، و خورشید در حال غروب است و او می گوید: خداوند، خورشید را ساکت کن.» به هر حال، آیا ابرها با تگرگ وارد می شوند و آیا ابرها خورشید را ساکت می کنند؟ بنابراین برخی از مردم فکر می کنند چیزی که این نیاز دارد خاموش کردن خورشید است. تگرگ ها وقتی ابرها در سکوت می آیند، گرمای خورشید را می آورند. تگرگ ها کنعانیان را بیرون بیاورید و همه چیز خنک شود. این چیزی است که یوشع خواست. حالا، به هر حال، آیا متن واقعا در اینجا در NIV می گوید که خورشید ثابت می ماند. بنابراین این مناسب نیست. من می خواهم به این چیز 20٪ امکان یا کمتر بدهم. یا شاید حدود 15 درصد احتمال. مردی به نام جان والتون وجود دارد. او در مدرسه دیگری تدریس می کند، من دوست ندارم اسمش را بگویم، جایی است که به آن می گویند، فکر می کنم اسمش است، در شیکاگو است. مکانی به نام ویتون است. جان والتون در آنجا تدریس می کند. والتون مرد دیوانه ای است، به همین دلیل است که من او را خیلی دوست دارم و او جالب ترین، جذاب ترین و خوب تحقیق شده ترین ایده ها را ارائه می دهد که خلاقانه هستند. او یک محقق باورنکردنی است و من او را به دلیل خلاقیت و چیزهای دیگر دوست دارم. اما به هر حال، جان والتون در حال بررسی متون قدیمی فال بابلی بود. این شوخی نیست - متون فال بابلی. حال متون فال بابلی چیست؟ فال زمانی است که کسی یا چیزی شبیه به آن نفرین می کنید. فال ها فال بدی هستند. آیا تا به حال در مورد فال بد و فال نیک شنیده اید؟ در واقع، شما بچه ها در اطراف هستید سالم پس احتمالا در این مورد می دانید- فال بد و فال نیک. چیزی که او پیشنهاد می کند این است که آنچه در مورد یوشع می گذرد این است که خدا خورشید را در یک افق و ماه را در افق دیگر قرار داد تا کنعانیان آن را ببینند و بفهمند که این فال بدی است. امروز روز بسیار بدی برای مبارزه است. کنعانیان به دلیل موقعیت خورشید و ماه وحشت می کردند و این را می خواندند که خدایان علیه آنها صحبت کرده اند و آنها سرخ شده اند زیرا خدایان می گویند که این فال بدی علیه آنها است. بینش او بر اساس این متون فال است. بنابراین آنچه جاشوا می گوید این است که خورشید را اینجا و ماه را در آنجا قرار دهید: "به آنها فال بد بدهید تا بدون و بچه های ما راحت شوند." به عبارت دیگر، بچه های ما مجبور نخواهند بود بیرون بروند و بجنگند. سپس خدا آنها را با تگرگ بیرون می برد. آیا این منطقی است؟ او می گوید که این احتمالا می تواند یک فال باشد، خورشید بر

فراز جبعون، ماه بر فراز آيجالون و او اين را به عنوان يك فال بد تعيين مي كند. من واقعا اين پيشنهاد را دوست دارم، به نظر مي رسد نيمه ديوانه كننده است و احتمالا همينطور است، اما من هم همينطورم. بنابر اين من فقط مي خواهم به اين ضربه بزنم. من نمي گويم كه اينطور است، منمي گويم كه احتمالا مي خواهم با خورشيد ايستاده بروم. اما من اين را دوست دارم زيرا چيزهاي زيادي را در مورد خسته بودن سربازانش و درخواست كمك توضيح مي دهد. بنابر اين آيا مي توانيم به اين 5-10٪ بدهيم؟ من فكر مي كنم اين تفسير جالبي است. من فكر مي كنم ممكن است بر اساس اين متون فال باستاني باشد و او ممكن است روي چيزي باشد. هانا؟ نه، نه، نه. من اين اولين مورد را مي گويم، اين يك استاندارد است، اكثر مردم معتقد هستند. اين 80 درصد است. و من مي خواهم اين يكي را حدود 15٪ انجام دهم. من مي خواهم اين يكي را حدود 10٪ انجام دهم. من همين الان چه كار كردم، 80، 20، 15... جمع نمي شود، به بيش از 100 مي رسد. من فقط با شما سر و كار دارم. اما فقط، چيزي كه من مي خواهم بگويم اين است كه اين يكي احتمالا استاندارد است، و اين يكي احتمالا بعيد است، اما من فقط فكر مي كنم جذاب است زيرا همه چيز را توضيح مي دهد. صادقانه بگويم، چيزهايي را توضيح مي دهد كه قبلا هرگز نتوانسته ام توضيح دهم و به همين دليل پيشنهاد او را دوست دارم.

L. قدرت دعا [54:08-52:55]

اين را بررسي كنيد. فصل 10:14، "خورشيد در وسط آسمان متوقف شد و غروب را يك روز كامل به تاخير انداخت. هيچ وقت روزي مثل اين نبوده است آن" چه چيزي در مورد اين روز منحصر به فرد است؟ "هرگز چنين روزي قبل يا بعد از آن وجود نداشته است." چه چيزي در اين روز منحصر به فرد است؟ "روزي كه خداوند به مردى گوش داد. آيا يوشع دعا كرد و خدا آسمان ها را بر اساس دعاي يوشع برپا كرد؟ اين باورنكردنى است و چيزي كه من مي خواهم بگويم اين است كه اين آيه به ما چه مي گويد؟ آيا دعا مهم است؟ آيا دعا همه چيز را تغيير مي دهد؟ آيا دعا تفاوتى ايجاد مي كند؟ مي گويد اين روز شبیه هيچ روز ديگري نبوده است. خدا به صدای يك انسان گوش داد و آسمان ها را مطابق با جاشوا درخواست است. ما به روز دعا مي رسيم، آيا دعا مهم است؟ بله! شما مي توانيد خداي قادر مطلق را خطاب كنيد، خدا گوش مي دهد. او به صدای مردى گوش داد. اين باورنكردنى است. همانطور كه گفتم، من دارم چهار بچه. بچه هايم به من گوش نمي دهند. خدا به من گوش مي دهد و اين باورنكردنى است. بنابر اين اين چيزي است كه بايد به آن فكر كرد. اين يك متن بزرگ است.

M. كتاب جشار [54:47-54:09]

حالا در مورد كتاب جشار چطور؟ اين كتاب در يوشع ۱۳:۱۰، كتاب يشار يافت مي شود. من فقط مي خواهم بگويم كه كتاب هاي ديگري در دنياي باستان وجود داشت كه در حال چرخش بودند، سوابق تاريخي ديگر. جاشوا روي كتاب جشار ظاهرا در ثبت ايستاده خورشيد است. او مي گويد: "برويد و پاورقي را اينجا ببينيد، در اين كتاب جشار." كتاب گم شده است، اين يك كتاب الهام گرفته نيست، اما آيا حقيقت را مي گويد؟

ظاهر جاشوا گفته است که این کتاب حقیقت را در مورد چگونگی شکست نبرد بیان می کند. اما، آیا همه کتاب هایی که حقیقت را بیان می کنند از سوی خدا الهام شده اند؟ نه لزوماً. جاشوا فقط به این کتاب استناد می کند و فکر می کنم جالب است.

شمال لشکرکشی شمال: جابین پادشاه حازور [57:47-54:48]

حالا، کارزار شمال، ما لشکرکشی جنوب را دیدیم، اکنون یک کمپین شمالی وجود خواهد داشت. آنها پنج پادشاه جنوبی را شکست دادند و اکنون می خواهند به سمت شمال بروند و با این مرد به نام جابین برخورد خواهند کرد پادشاه حازور. آنها می خواهند جابین را شکست دهند. شما چند جابین را خواهید دید. مانند Jabin 1، Jabin 2، Jabin 3 و Jabin 4 وجود دارد. احتمالاً 20 نفر وجود دارد Jabins در یک ردیف در Hazor و در کتاب داوران شما Jabin دیگری را خواهید دید پادشاه حازور. این یک نقشه است و من فقط می خواهم یک دایره به دور Hazor بگذارم. راستی این چیست؟ دریای جلیل. آیا کسی می تواند ببیند، آیا این شبیه یک جنگ کوچک است؟ آیا کمی شبیه جنگ است؟ آنها در واقع آن را دریاچه کینرت می نامند. Kinneret در عبری به معنای "جنگ". بنابراین آنها در واقع آن را دریاچه کینرت می نامند. بعداً به عنوان دریای جلیل یا دریای جلیل دریای طبریه. آیا طبریه این یک نام رومی است؟ بد. خوب چه کسی در دریای جلیل می گذرد؟ اگر در کتاب مقدس هستید و نمی دانید پاسخ چیست، چه نامی می گذارید؟ عیسی. پس به یاد داشته باشید عیسی در حال ماهیگیری در دریای جلیل، طوفان در دریای جلیل، تغذیه مردم توسط دریای جلیل. موعظه در مورد کوه در کنار دریای جلیل است، احتمالاً در اینجا. بنابراین عیسی در دریای جلیل. حالا هازور کمی، نمی دانم، 5 یا 6 مایل اینجا. حازور بزرگترین مکان باستان شناسی در کل اسرائیل است. فکر می کنم حدود 250 هکتار است. آیا این زمین زیاد است، 250 هکتار؟ این بزرگ است. منظورم این است که با استانداردهای آمریکایی، بزرگ نیست. ما اکنون این هزار هکتار مزارع میوه و چیزهایی از این قبیل را داریم، اما 250 هکتار برای شهری مانند آن، در دنیای باستان بسیار بزرگ است. اریحا چقدر بزرگ بود؟ من از اینجا گفتم که لین [حدود 400 یارد]. اریحا شما حدود 7 بار راهپیمایی می کنید. هازور، 250 هکتار. بسیار بزرگتر از اریحا (حدود 11 هکتار) است. بنابراین آنها ارا به های آهنی در اینجا خواهند داشت. مردی که در هازور است، جابین، ارا به اش را می گیرد و به اینجا می آید و کجا می خواهند بجنگند؟ آنها می خواهند همین جا بجنگند. یک دره باز بزرگ وجود دارد که ارا به ها به خوبی در آن حرکت می کنند. آن دره دره نامیده می شود هر مجبو. دره Har, Har به معنای "تپه مجبو" است. دره هر مجبو شما به انگلیسی می گویند که خیلی سریع و دره آرماگدون را می گیرید، هر مجبو، دره آرماگدون. اینجا است که آرماگدون درست اینجا است. حالا بعداً به این موضوع دقیق تر نگاه خواهیم کرد. این دره آرماگدون است. مگیدو درست اینجا است. بنابراین اینجا است که آنها برای انجام نبرد پایین می آیند. جاشوا بالا می رود، آیا برنده می شود؟ جاشوا همیشه برنده است، خوب نه همیشه. اما او آنها را شکست می دهد. آنها به حازور می روند، شهر را به آتش می کشند، یوشع حازور را پایین می برد. حازور شهر بزرگ شمال است.

2. O. مشکلات: شکست هوش مصنوعی [59:17-57:48]

پس آنها جنوب را انجام دادند، آنها شمال را انجام دادند، و حالا چه؟ شما دو مشکل دارید. جاشوا با دو مشکل روبرو خواهد شد. اینها مشکلات مهمی هستند. او قصد دارد به آی برود. آی شهر کوچکی است، جاشوا قرار است اینجا در نزدیکی منطقه گیلگال-جریکو، پایین دره اینجا باشد. Ai قرار است درست در آنجا واقع شود. او می خواهد بالا برود، با آی مبارزه کند، اما چه اتفاقی می افتد؟ او جاسوسانش را به آنجا می فرستد و جاسوسان می گویند، "شهر آی، آنها فقط 200-300 مرد در آنجا دارند، این مسئله مهمی نیست. تمام ارتش اسرائیل را به آنجا نبرید، فقط چند هزار نفر بفرستید و ما عای را منفجر خواهیم کرد. مشکلی نیست که فقط 200-300 مرد آنجا هستند. به ما 2000 نفر بدهید و ما راحت خواهیم بود." آیا تکبر را در آنجا دیدید؟ چه کسی در نبرد پیروز می شود؟ ما در حال پیروزی در نبرد هستیم، به اندازه کافی خوب هستیم، ما این را تحت کنترل داریم. آنها 2000-3000 نفر خود را نزد آی می فرستند و حدس بزنید چه اتفاقی می افتد؟ آنها اولین باخت خود را متحمل می شوند. آیا هیچ یک از شما بچه ها ورزش کرده اید؟ شما وارد فصل خود می شوید و اولین باخت خود را دارید؟ آیا اولین باخت قاتل است؟ این فقط باد را از تیم خارج می کند. شما می دانید که روانی هستید، می خواهید بیرون بروید و آنها را منفجر کنید و سپس اولین باخت خود را انجام می دهید، ویرانگر است. بنابراین به هر حال، آنها بالا می روند، اولین باخت خود را از Ai می گیرند، یک شهر کوچک که به چالش می کشد آنها را به دست می آورد. هوش مصنوعی آنقدر کوچک است، وقتی به Ai می روید می توانید سنگی را پرتاب کنید بالای آن، به همین اندازه کوچک است. منظورم این است که من در مورد چهارگانه صحبت می کنم، من کمتر از چهارگانه صحبت می کنم. این یک شهر کوچک، کوچک و بسیار کوچک است، اگر چه ما دقیقاً مطمئن نیستیم که کجاست. بحث بزرگی در مورد مکان دقیق آن وجود دارد.

گناه [59:18-66:14] P. Achan

مشکل چه بود؟ آخان گناه کرد. آخان گناه کرد و در اردوگاه گناهی رخ داد. آچان را به یاد دارید؟ او به اریحا رفت و مقداری طلا دزدید و یک لباس بابلی را دزدید، یک ردای بابلی. یک ردای بابلی و طلا، و او چه کرد؟ او آن را به چادرش برد و چه کرد؟ آن را زیر چادرش دفن کرد و پنهان کرد. چه اتفاقی برای همه چیزهای اریحا می افتاد؟ همه چیزهای اریحا بود هرگز، آن قرار بود وقف خداوند شود. همه اینها باید برای خداوند سوزانده می شد. ثروت اریحا، طلا و نقره، قرار بود به خزانه های خداوند برده شود. اریحا اولین اسرائیل بود؟ این اولین پیروزی آنها در زمین بود و خدا گفت: «از اولین پیروزی شما، من تمام غارت را می گیرم.» اولین پیروزی جریکو بود، به همین دلیل جریکو بسیار خاص بود. این اولین پیروزی در سرزمین موعود بود و خدا می گوید اریحا مال من است، همه چیز به من می رسد. آخان مقداری از کالاهای دزدید و بنابراین گناه در اردوگاه وجود دارد. خدا می داند که گناهی در آنجا وجود دارد. آنها برای مبارزه با آی بالا می روند. خدا می گوید من دیگر با تو نیستم، تو تنها هستی. بنابراین شما می بازید. حالا توجه کنید، آنها قرعه می اندازند تا بفهمند چه کسی این کار را انجام داده است. آنها برمی گردند و می گویند، "خدایا، اینجا چه خبر

است؟" نظر جاشوا بسیار جالب است. بگذارید فقط با این چیز با آچان کار کنم. آنها قرعه می اندازند و قرعه کشی به عهده آچان می افتد. آخان می گوید: "بسیار خوب، من ردای آن را دزدیدم، طلا را دزدیدم، و گناه کردم." آنها آخان را می کشند اما خانواده آچان را نیز می کشند. باز هم به عنوان آمریکایی ما همه کارها را به صورت فردی انجام می دهیم. ما فردی هستیم و همه چیز به صورت جداگانه انجام می شود. برخی از مردم سعی می کنند با گفتن اینکه خانواده می دانستند که او این اشیاء دزدیده شده را در زمین دفن کرده است، دلیل کشته شدن خانواده را کاهش دهند. بنابراین خانواده تا حدی مسئول بودند زیرا به کسی نگفتند. این بچه های دیگر به خاطر این کار رفتند و کشته شدند. بنابراین خانواده تا حدی مقصر بودند زیرا می دانستند پدرشان چه کرده است. این بخشی از آن است. راه دیگر برای نگاه کردن به این موضوع از دریچه شخصیت شرکتی است. در فرهنگ آمریکایی همه فردی هستند. من انجام می دهم، همه چیز من و متمرکز بر خود. در فرهنگ های دیگر، این 's بسیار "ما" فرهنگ. شما به واحدها نگاه می کنید، در فرهنگ های دیگر افراد نیستند، واحدها در فرهنگ های دیگر گروه های خانوادگی، یا قبیله ها یا قبایل هستند. بنابراین به این می گویند: شخصیت شرکتی. آنجا 's a نوعی شرکتی بودن به آن. این است بسیار خارجی به تفکر ما به عنوان آمریکایی ولی این است بسیار مهم است اگر شما 'پاسخ رفتن برای درک فرهنگ های دیگر چه کسی خود را به عنوان یک گروه می بینند. بنابراین که 's احتمالاً چیست اینجا ادامه دارد. فقط در مورد سنگسار شدن آچان صحبت می کنم و خانواده کمک می کند دیدن خانواده به عنوان یک واحد. حالا که نمی گوید، توجه کنید که چه چیزی I'M می گوید وجود دارد 'رابطه ای بین فردیت و شرکتی بودن. آنچه من می خواهم انجام دهم این است که به نوعی از فردیت عقب نشینی کنم و بگویم که آنجا 'شرکتی بودن در این امر دخیل است. حالا اینطور نیست. t به معنای هر بار و در هر موقعیتی 's همیشه شرکتی. آنچه من 'm می گوید این است 'همیشه به این یا دیگری نیست، اما به عنوان آمریکایی ها حتی مفهوم شرکتی بودن را داریم. که چه چیز I'm سعی می کند با. اگرچه ما به عنوان آمریکایی مفهوم شرکتی بودن را داریم؟ D شناسه این آمریکایی ها در جنگ با آلمانی ها در جنگ جهانی 2؟ و بنابراین، ما این را به عنوان یک چیز گروهی برچسب می زنیم. پس این است فردی در مقابل شرکتی بودن. که نگویند آن 'همیشه به یک روش یا دیگری است. اما شما باید کار بین این دو.

من فکر می کنم یکی از مشکلات دیگر وقتی آنها مخالف شد هوش مصنوعی این مفهوم عادت بود. آنها فرض می کردند که خدا در کنار آنها است و که خدا قابل پیش بینی بود. خدا همیشه در کنار ماست. ما به مردم یهود می پردازیم. ما پاسخ این افراد برگزیده. خدا همیشه در کنار ماست. او s همیشه علیه کنعانیان. بنابراین خدا قابل پیش بینی می شود. این به یک مشکل واقعی تبدیل شد. جای درک هر موقعیت یک انتخاب فردی است و بنابراین هر انتخاب فردی را به خدا متعهد می کردند، بلکه می گفتند، "آه، بله، البته." تيفرض او این است که خدا با ماست. آیا تا به حال در کلیساهایی بوده اید که این تصور را داشته باشند که خدا در این کلیسا با ما است. آنها همیشه تصور می کنند که خدا با آنها است و مخالف دیگران. من فکر می کنم شما باید

واقعا مراقب این فرض باشیم که خدا با ماست. با استفاده از آن در این مورد آنها برای مبارزه با آی رفتند و خدا با آنها نبود. چرا او با آنها نبود؟ دلیل آنها در اردوگاه گناه داشتند. آنها در اردوگاه گناه کرده بودند و پس خدا می گوید، "No." چه جالب است که مردم گناه می کنند و سپس یوشع خدا را سرزنش می کند. جاشوا می گوید، "خدایا، چرا ما تا به حال از رود اردن عبور کردیم؟ ای کاش می کردیم؟" در سراسر این رودخانه اردن. "اتفاقا چه کسی چنین چیزی گفت؟ کاش این کار را نمی کردیم؟" در سراسر این رودخانه جردن که در آن طرف ماندیم. این است 'این دقیقا همان چیزی است که اسرائیلی ها گفت وقتی از مصر بیرون آمدند؟ ما می خواهیم به مصر برگردیم، جایی که وجود داشت تره فرنگی، خربزه، غذایی، یکو آب. جاشوا همین را به زبان می آورد چیز و مشکل این است که آیا این گناه یک فرد کل جامعه را تحت تأثیر قرار می دهد؟

آیا تا به حال دیده اید که این اتفاق بیفتد؟ بگذارید از یک تصویری از یک کشیش. من یک دوست کشیش داشتم که در واقع یکی از شاگردانم بود. من کتاب مزامیر را به او آموزش دادم و او سالها بعد شبان من بود. او واقعا پسر بزرگی بود. او پنج فرزند داشت. او در یک موقعیت سازش قرار گرفت و مرتکب فساد اخلاقی شدند با کسی در کلیسا. من آیا این یک مشکل است؟ بنابراین اکنون او گرفتار شده است این زن دیگر، او 'S پنج فرزند و یک همسر دارد. آیا این بر کل کلیسا تأثیر گذاشت؟ پس من چه می کنم؟ M می گوید آیا گناه بر شرکت تأثیر می گذارد؟ در اینجا آچان گناه و آن را تحت تأثیر قرار داد این شرکت گروه. گناه یک نفر بر دیگران تأثیر می گذارد. همینطور است این فقط این گناه آخان؟ 'YOU دارم باید از آن آگاه باشید. چگونه باید بگویم، we فقط تیله های فردی نیستند که در زندگی می گذرند. ما دوباره به یکدیگر متصل می شوند و گناه یک نفر تأثیر می گذارد و بر گروه تأثیر می گذارد. آیا گناهان پدر و مادران بر شما تأثیر می گذارد؟ آیا شما 'آیا گناهان بر والدین شما تأثیر می گذارد؟ بنابراین وجود دارد این رابطه به جلو و عقب بین این فردی و این جامعه و ما هنوز هم آن را دریافت می کنیم.

Q. فریب [66:15-68:25] Gibeonite

حال حاضر وجود دارد گیبئونیت فریب. اینجا 'وضعیت دوم که مشکل بود. Ai یکی از مشکلات بزرگ بود. دومین مورد مشکل وضعیت بود با گیبئون. جبعون این حيله را داشت که آنها از خیلی دور آمده اند. آنها لباس های کهنه می پوشیدند، صندل های فرسوده می پوشیدند، همه غذاهایشان کپک زده بود. آنها به اسرائیل و آنها گفتند که ما می خواهیم با شما پیمان ببندیم. اسرائیل فکر می کرد که آنها از خیلی دور آمده اند، در حالی که در واقع از آنها آمده اند آن؟ آنها در مرکز مرده در وسط اسرائیل بودند. پس این چیزی است که من از این خارج شوید. مراقب بی فکری باشید. به عبارت دیگر، شما نمی دانید 'باید از خدا بپرسید زیرا پاسخ آنقدر واضح است که شما نمی دانید باید بپرسیم. سپس فصل 9 آیه 14 اینجا است 'چیزی که می گوید، 'نظر جالبی است. "مردان اسرائیل آذوقه آنها را نمونه برداری کرد اما از خداوند پرس و جو نکرد." آنها از آذوقه خود نمونه برداری کردند و دیدم که همه آنها کپک زده و پیر هستند، اما از خداوند سؤال نکردند. وقتی از

خداوند پرس و جو نکردند، اشتباه بزرگی مرتکب شدند. آنها با جبئونی ها. آنها این کار را نکردند در این مورد از خدا بخواهید. چیزی این بسیار واضح به نظر می رسد که یک مشکل واقعا بزرگ برای آنها بود. خوب که چی I'm می گوید این است که شما باید به خدا اعتماد کنید منحصر از هر لحظه و در هر تصمیم. آیا هر یک از شما تصمیماتی گرفته اید که در واقع یک فاجعه کامل خواهد بود و معلوم شد که یکی از بهترین چیزها است که است برای شما اتفاق افتاده است؟ آیا تا به حال تصمیمی گرفته اید که فکر می کنید واضح است چه کاری باید انجام دهید و وقتی در موقعیت قرار گرفتید واقعا وحشتناک بود؟ W کلاه I'm می گوید این است که ما نمی دانیم آینده را نمی دانم. ما نمی دانیم t بدانید وقتی چیزی که خیلی خوب به نظر می رسد می تواند زشت ترین چیز در جهان باشد. چیزی که وحشتناک به نظر می رسد می تواند خوب باشد. ما به خدا تکیه کنید زیرا ما دان t آینده را بشناسید. هر تصمیمی باید به این شکل بیان شود. جبعونی ها با اسرائیل پیمان بستند. اسرائیل آنها را هیزم شکن کرد و حامل های آب. پس گفتند، باشه، ما یک اشتباه اینجا اما شما بچه ها داشته باشید الان باید به ما خدمت کنم. بنابراین جبعونی ها به عنوان هیزم شکن و حامل آب به اسرائیل پذیرفته شدند. آنها به نوعی خدمتگزار اسرائیل شدند، چوب های آنها را قطع کردند و آب آنها را حمل کردند.

R. تقسیم زمین [73:07-68:26]

حالا، ما حدود دوازده دقیقه باقی مانده است و ما دارم باید این تقسیم زمین را انجام دهم. منخواهید فقط به این سرعت ضربه بزنید. و آنجا's چهار قبیله تو را می خواهم برای دانستن. وجود دارد شش شهر که می خواهید بدانید. N آه، به هر حال، این نقشه ها را از کجا پیدا می کنید؟ نقشه های پایان نامه ها همه در پاورپوینت ها هستند. آنها را دانلود کنید. بنابراین اینها اساسا چهار قبیله و شش شهر هستند و سپس من فقط خواهید تا از طریق آنها عبور کنم. F اول از همه، آیا می بینید که دریای مرده، دریای نمک؟ یک بکشید درست از بالای دریای مرده خط بزنید و به کدام شهر در اینجا ضربه می زنید، درست روبروی بالای آن؟ اورشلیم. باشه که چگونه می توانید تصویر اورشلیم. شمال اورشلیم کدام قبیله است؟ بنیامین. چرا بنیامین مهم است؟ چه کسی قرار است بیاید از بنیامین؟ شاول پادشاه. اولین پادشاه اسرائیل از بنیامین است. بنابراین اورشلیم درست در مرز درست در غرب بالای دریای مرده. بنیامین's به شمال.

این قبیله بنیامین است. چه قبیله ای در جنوب است؟ یهودا. چرا یهودا مهم است؟ چه کسی از یهودا؟ دیوید. پس دیوید از اینجا، شاول از اینجا در بنیامین. خوب که چی رابطه یهودا و بنیامین؟ یهودا در جنوب است، بنیامین درست بالای آن نشسته است. اورشلیم است در مرز بین این دو، شمال و جنوب.

بگذارید فقط به نقشه دیگری در اینجا بپریم. آنجا's اریحاتا جایی که شهرها پیش می روند اریحا را می بینید s شمال دریای مرده فقط کمی. شهر دیگر جبعون است. آیا جبعون را در شمال اورشلیم کمی به سمت غرب می بینید؟ پس شما و اریحا را گرفتم و گیبئون. Gibeon's یک شهر از جبعونی ها. و در نهایت، اورشلیم و اورشلیم اینجا است. من فقط می خواهم به این شهرهای بزرگ اسرائیل عادت کنید؟ اورشلیم، اریحا، جبئون، اینها شهرهای بزرگ هستند. شما همچنین این دو را بشناسید اقوام مناطق یهودا و بنیامین

هستند. اینجا's قبیله یهودا. می بینید این دریای مرده اینجا و یهودا کجاست؟ یهودا درست در کنار این دریای مرده. بنابراین آن خطوط تا با این دریای مرده در این شرق. این قبیله یهودا در غرب دریای مرده است. بالا در شمال اینجا's که در آن اورشلیم درست روبروی سر دریای مرده فقط حدود 20 مایل یا بیشتر. چه چیز جنوب اورشلیم؟ شهر بیت لحم. بت لحم، شرط معنی "خانه از"، لحم معنی "نان"، "خانه نان، بیت لحم. دلیو's از بیت لحم؟ دان'این بار عیسی را به من بدهید. چه کسی از بیت لحم؟ دیوید. دیوید شهر زادگاه S در بیت لحم. عیسی در بیت لحم متولد خواهد شد به گفته میکا 5.2. داوود از بیت لحم. داوود اورشلیم را تصرف خواهد کرد، راستی. سپس هبرون اینجا پایین است. او ملکه جنوب. این مانند آتلانتا است. هبرون مانند آتلانتا، ملکه جنوب. هبرون جایی بود که در آن آبراهام مدفون سارا. همه اینها را به خاطر بسپارید با ابراهیم که در هبرون است. بعد فقط یک شهر دیگر وجود دارد و بعد من فکر می کنم ما آن را دایره کرده ایم و این بئر شمع است (به نظر می رسد بئر شمع است). بئر شمع اینجا است. می گوید/بجو. آیا کسی تا به حال شنیده است که آن را به عنوان بئر سبع گفته شود؟ بئر شمع، که's زمانی که من جوان تر بود، که's چگونه تلفظ شد. بئر شمع. /بجو معنی "خوب"، /شو معنی "هفت". بنابراین به معنای هفت چاه است. پس بئر شمع مرز جنوبی اسرائیل است. پس این شهر پایین جنوبی ترین شهر است نقطه در اسرائیل. بئر شمع's به جنوب در نقب.

راستی، آیا می بینید که اینها در یک مسیر صف می کشند؟ این یک مسیر اصلی است که از شمال و جنوب. یک مسیر اصلی خط الراس وجود دارد. و بنابراین وجود دارد's اورشلیم، بیت لحم، تا هبرون، و اینجا پایین آنجا's یک جاده که اجرا می شود مانند مسیر 1A در ونهام.

بنابراین، حالا، شمال بنیامین این قبیله افرایم. افرایم مانند یهودا است این جنوب. افرایم است در این شمال. آن's این قبیله بزرگ. این شماتیک است که احتمالا باید یاد بگیرید، خوب؟ یهودا بعد از دریای مرده بنیامین است در بالای یهودا، افرایم است در بالا از بنیامین. آیا این منطقی است؟

حالا، کجاست قبیله دان. دن اینجا است، اما چه کسی's در اینجا در امتداد ساحل؟ فلسطینی ها. فلسطینی ها با یهودیان چه می کنند؟ آنها را بکشید. بنابراین دن به سمت شمال، شمالی ترین نقطه. قبیله دان که اینجا بود فرو می ریزد. قبیله به یک شهر واحد فرو می ریزد. این شهر به شمالی ترین شهر تبدیل می شود. قبیله دان به سمت شمال حرکت می کند زیرا آنها این کار را نمی کنند؛ می خواهم توسط فلسطینی ها شکست بخورم.

S. جنگ [76:12-73:08]

حالا، ما دوباره از این طریق و زوز خواهیم کرد. این بحث بعدی به جنگ مربوط می شود. این باید به سرعت پیش برود. من بدانید که چیزهای زیادی وجود دارد که می توان روزها با این موضوع مورد بحث قرار گرفت اما... We در مورد جنگ مقدس صحبت کرد یا هرم. هرم معنی "اختصاص داده شده به این خداوند" نابود شد، سوزانده شده برای خداوند، وقف شده به این خداوند. این چیزی است که اتفاق می افتد. این

هرم، ویرانی، مردان و زنان و کودکان و حیوانات چیزی است که در آن اتفاق افتاده است جریکو. به اسرائیلی ها گفته شد که به آنها فرصتی برای صلح بدهند. آنها قرار بود به شهر بیایند و بگویند، شما بچه ها می توانید به ما تسلیم شوید، و ما پیروز شدیم شما را نابود می کند. شما آرامش دارید. اساسا سوال این است که بسیاری از مردم، و این واقعا سخت است چیز چگونه می توانید خدا اینها را نابود کند شهرستانها وقتی مردان، زنان، و کودکان، حتی این حیوانات کشته می شوند. I مطمئن نیستم که I پاسخ همه را دریافت کرده ام از این اما یکی از اصول این است که خدا در مورد سرزمین کنعان قضاوت می کند. برای 400 سال خدا می گوید که او اجازه داد وارد شود iquity از آموری ها به قیام ادامه دادند و خدا آنها را برای 400 سال حفظ کرد. پس که 400 سال بعد خدا اسرائیل را می فرستد تا آنها را نابود کند. بنابراین، اسرائیل به ابزاری از خدا برای نابودی این فرهنگ تبدیل می شود زیرا این فرهنگ بسیار شرورانه بود. خدا می گوید آن's a قضاوت. به عبارت دیگر، اسرائیل رفتن به آنجا و نابود کردن این فرهنگ به عنوان داوری در مورد اموریان زیرا از گناه آنها. بطوریکه's شماره یک. این نیست't فقط اسرائیل جنگ با کسی. نه، این اسرائیل است اجرای خدا's قضاوت روی آنها.

دومین نکته ای که در اینجا مطرح می شود این است عواقب آنها را در زمین رها می کنند. اگر اسرائیل سمت چپ کنعانیان در این زمین، کنعانیان با بنی اسرائیل چه می کردند؟ آنها آنها را وادار می کردند که خدایان بت پرست خود را پرستش کنند. که در واقع چه اتفاقی افتاده است. اسرائیل این کار را نکرد همه آنها را در زمین نابود کنید و برخی از آن قوم کنعانی پس از آن تعلیم دادند اسرائیل خود بت پرستی که برای آن اسرائیل بعدا مورد قضاوت قرار می گیرد در. پس خدا گفت، "W آنها را از بین ببرید زیرا من نکردم می خواهم آنها شما بچه ها را آلوده کنند و به شما بت پرستی بیاموزند." اسرائیل این کار را نکرد، بنابراین این یک مشکل است. بنابراین این دلیل دوم برای نابودی کامل است، sای کاش هیچ یک از آنها تعلیم ندادند اسرائیل مورد خود خدایان.

به هر حال، در نهایت به این بستگی دارد. چه کسی این امتیاز را دارد از زندگی و مرگ؟ من بیرون بروید و در جلوی کتابخانه بمیرند یا چیزی مثل آن. خدا حق حیات دارد و مرگ و شما فقط داشته باشید باید آن را در یک لحظه خاص اعتراف کنم نقطه. شما دارید فقط باید به نوعی عقب نشینی کنم. ما انسان ها این کار را نمی کنیم! داشته باشید آن تماس.

این هرم به ندرت تمرین می شد. این در اریحا، ای و حازور انجام می شد. شاید یک یا دو مکان دیگر اما به ندرت در اسرائیل انجام می شد. بنابراین شما باید مراقب باشید. اکنون، برخی مردم فکر کنید هرم تمرین شد، اسرائیل هرم-اد همه چیز را نابود کرد و همه چیز را نابود کرد. نه، در واقع فقط سه مکان بود و بنابراین باید مراقب باشید بزرگنمایی خیلی زیاد.

ت. 3 دیدگاه های جنگ: عدم مقاومت [81:07-76:13]

حالا، می خواهم ضربه بعدی بزنم، جنگ برای چه چیزی خوب است؟ من می خواهم در مورد آن

صحبت کنم چه زمانی تا به حال به این فکر کرده اید است جنگ همانطور که مشروع؟ آیا جنگ هرگز مشروع است؟ چه چیزی را می خواهید مایل باشید برای مردن؟ سپس یک سوال دیگر، برای چه چیزی حاضرید بکشید؟ آیا واقعا کسی را می کشید؟ بر چه اساسی کسی را می کشید و چه احساسی نسبت به جنگ دارید؟ C دانشگاہیان تصمیم می گیرند این سوالات؟ معمولا در محیط های دانشگاهی افرادی هستند که جنگ را تأیید می کنند یا تأیید نمی کنند؟ آنها معمولا فشار می آورند صلح؟ دانشگاہیان، آیا آنها هستند معمولا سرمایه داران یا سوسیالیست ها؟ سازمان ملل متحد دانشگاه من به آن رفتم بود بیشتر سوسیالیست ها. خوب که چی I من می گویم این است که من فکر می کنم این چیزها بسیار پیچیده هستند.

بگذارید سریع اینها را بزنم. عیسی چه گفت؟ موقعیت غیر مقاومتی چیست؟ موضع عدم مقاومت اساسا این را می گوید: شما به عنوان یک پزشک یا کشیش به ارتش می روید. من برنده شدم برای صدمه زدن به کسی اسلحه بردارید اما من به عنوان یک پزشک یا کشیش برای بهبودی وارد می شود. بنابراین آنها به ارتش می پیوندند به عنوان یک پزشک یا کشیش. بر اساس این گفته عیسی گفت، گونه دیگر را برگردانید. اگر کسی به یک گونه شما سیلی زد، گونه دیگر را بچرخانید. پیتر شمشیر را برداشت و چه اتفاقی افتاد؟ او آن مرد رو قطع کردم گوش ها. عیسی چه گفت؟ آیا عیسی پطرس را به خاطر برداشتن آن مرد سرزنش کرد؟ گوش ها؟ راستی عیسی با چه کاری انجام داد که پسر گوش ها؟ او دوباره آن را پوشید. عیسی گفت چه کار کنم؟ از دشمنان خود متفر هستند یا دشمنان خود را دوست دارید؟ بیانیه بسیار جالب سارا. همسایه خود را دوست داشته باشید. اگر همسایه خود را مانند خودتان دوست داشته باشید، آیا همسایه خود را خواهید کشت؟ پس چگونه با این کار می کنید؟ T در اینجا آیاتی وجود دارد که از این نوع حمایت می کند رویکرد با استفاده از جدایی کلیسا و دولت. عیسی گفت، “اگر من پادشاهی اگر از این دنیا بودند، خدمتکاران من می جنگیدند.” مفهوم این بیانیه چیست؟ پادشاهی من، آیا از این دنیا است؟ نه آن نه. بنابراین خدمتکاران من پیروز شدند بجنگید. بسیاری از مسیحیان اولیه جان خود را از دست ندادند و از خود در برابر امپراتوری روم. بنابراین عیسی این نوع چیزها را گفت. مسیح می میرد و این نمونه ای برای دیگران است. او نمی کند تی دفاع کنید خود. او بدون دفاع از خود می میرد.

این است غیر-مقاومت موقعیت حالا، کاری که می خواهم انجام دهم این است که به شما نشان دهم این طرف دیگر، و سپس ما آن را یک روز می نامم. دوگانه گرایی. آیا می توانیم بگوییم که ما از خدا پادشاهی s و ما از ملکوت این جهان نیست؟ آیا بیشتر ما در این دنیا زندگی می کنیم؟ غذا می خوریم؟ آیا ما کارهای دیگری در این دنیا انجام می دهیم؟ پس آیا ما تابعیت دوگانه داریم؟ آیا من مسئولیت هایی برای امریکا؟ آیا من مسئولیت هایی برای امریکا؟ علاوه بر اینکه مسیحی هستم، من هستم همچنین یک امریکا؟ مسئولیت های من به عنوان یک آمریکایی چیست؟

اینجا یک متن دیگر عیسی گفت، “من نیامده ام که صلح بیاورم، من آمدم تا شمشیر بیاورم.” عیسی گفت در لوقا فصل 22، “من نیامده ام که صلح بیاورم، بلکه شمشیر را به ارمغان بیاورم.” W کلاه انجام داد

عیسی یعنی آنجا؟ آیا عیسی منظورش این بود که ما باید شمشیر را بردارید و به دنبال آن بروید؟ نه، این متن از متن خارج شده است. عیسی گفت، "من برای آوردن صلح نیامده ام، اما این شمشیر." به عبارت دیگر، است این شمشیر برای شما استفاده می شود شاگردان؟ این بود نه اینکه شاگردان از شمشیر استفاده کنند، بلکه از شمشیر روی آنها استفاده می شد. آیا بیشتر شاگردان با مرگ خشونت آمیز جان خود را از دست دادند؟ پس عیسی، وقتی این را می گوید. پس اگر کسی را دیدید که مورد تجاوز قرار می گیرد چه؟ آیا واقعا به فردی که به آن شخص تجاوز کرده است آسیب جسمی می رسانید؟ حالا، شما هستید انجام خشونت برای که اما آن شخص با آنها خشونت می کند. آیا شما فقط کنار ایستاده اید و می گویید، "آقا، من 'م علی وجدان معترض و من دان' نمی خواهم به شما آسیب برساند. من به پلیس شما می گویم پس بهتر است این کار را سریع انجام دهید." یا می روید به آن مرد حمله می کنید و چراغ های او را خاموش می کنید؟ پس من چه می کنم؟ m گفت زمانی است که یک کشور 'با دیگری کاری انجام می دهد، چه اتفاقی می افتد اگر آمریکا نداشت درگیر شدم برابر هیتلر؟ آیا ممکن است هیتلر تا به حال بر تمام اروپا حکومت کند؟ پس عدم مقاومت چه نوع جنگی را انجام می دهد باید رو به رو، و چه چیزی هستند برخی از این سوالات؟ ما این کار را نکردیم در مورد صلح طلبان صحبت کنید، و ما این کار را نکردیم t در مورد جنگ فقط صحبت می کند. بهتر است از آن خارج شویم اینجا. بسیار خوب اجازه دهید s برو. پنجشنبه می بینمت.

این دکتر تد هیلدبرانت در عهد عتیق خود است، دوره تاریخ، ادبیات و الهیات. سخنرانی شماره 19 در مورد کتاب یوشع: دیوارهای اریحا، مشکل در Ai، و معاهده ای که با جبعونی ها منعقد شده است و همچنین مفهوم جنگ و هرم در کتاب یوشع.

رونویسی شده توسط هانا جانگ خشن ویرایش شده توسط تد هیلدبرانت 2